

# چه کسانی در بقیع مدفونند؟

کلمه محمد مهدی فقیه بحرالعلوم\*

## مقدمه

قبرستان بقیع، بعد از مسجدالنبی، با فضیلت‌ترین مکان در مدینه منوره است. از نخستین سال‌های هجرت و در طول تاریخ اسلام بسیاری از شخصیت‌های بزرگ اسلام، از اهل بیت، صحابه و منسوبان پیامبر ﷺ و در رأس آنان چهار امام معصوم شیعه علیهم‌السلام، و نیز بسیاری از عالمان و فقیهان در بقیع مدفون‌اند.

پیش از وهابیت و حاکمان آل سعود، در قبرستان بقیع گنبندهای فراوانی بر قبور شخصیت‌های مهم وجود داشت. اما با روی کار آمدن این خاندان، وهابی‌ها گنبندها و زیارتگاه‌های بقیع را خراب کردند و امروز جز نشانی ساده از سنگ، چیزی بر قبور نیست. محل قبور بسیاری از مشاهیر مدفون در بقیع نیز در گذر زمان، از یاد رفته است. این نوشتار به اختصار به معرفی قبرستان بقیع و تاریخچه و فضایل آن و تعدادی از مهم‌ترین شخصیت‌های مدفون در آن می‌پردازد.

---

\*. عضو هیئت علمی و مدیر گروه تاریخ پژوهشکده حج و زیارت.

## معنای لغوی بقیع

بقیع، تعاریفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: «أصل البقیع فی اللغة (بفتح أوله و کسر ثانیه)، الموضع الذی اروم الشجر من ضروب شتی». «بقیع در اصل، (به فتح اول و کسر دوم)، مکانی است که در آن انواع درختان وجود دارد.» در تعریفی دیگر آمده است: «بقیع، زمینی وسیع را گویند که در آن، درخت یا ریشه‌های درختانی باشد» در تعریف سوم، چنین آمده است: «البقیع من الأرض، المكان المتسع، ولا یسمی بقیعاً إلاّ و فیهِ شجر». <sup>۱</sup> «بقیع زمین، مکان پهن‌آور است و بقیع گویند فقط وقتی که در آن درختی باشد.»

ابن اثیر می‌افزاید: چون بقیع پیش از این دارای درخت «غرقد» و ریشه‌های آن بود، پس از قطع این اشجار نیز به همان اسم معروف شد. <sup>۲</sup>

## گوناگونی بقیع‌ها

در گوناگونی بقیع یا باغ‌هایی که در آنها درختانی بوده و درون بعضی از آن باغ‌ها مسکنی وجود داشته است، شکی نیست؛ زیرا طبق معنای لغوی، بقیع، اطلاق بر زمین وسیعی می‌شود که در آن باغ و درخت وجود دارد. براساس گزارش‌های تاریخی و روایی، در شهر مدینه چندین بقیع وجود داشته است که برای نمونه می‌توان به اینها اشاره کرد: «بقیع الخنجه، بقیع الخیل، بقیع الزبیر، بقیع المصلی، بقیع الغرقد». در بحث حاضر منظور ما «بقیع الغرقد» است و قبرستان مقدس بقیع را بقیع غرقد می‌گفتند؛ زیرا «درخت غرقد»، در آن فراوان بوده است. <sup>۳</sup> در تعریفی دیگر از بقیع غرقد، می‌خوانیم:

۱. مجمع البحرین، واژه «بقع».

۲. البدایة و النهایة، ابن اثیر، واژه «بقع».

۳. معارف و معاریف، سید مصطفی حسینی دشتی، ج ۳.

و بقیع الغرقد، و الغرقد بفتح الغین المعجمة و القاف، بینهما راء ساكنة، كبار العوسج و هو مقبرة أهل المدينة على سورها بجنب البستان.<sup>۱</sup>

بقیع غرقد (غرقد به فتح غین و قاف و میانشان «را» ساکن) درختان بزرگ است و مقبره اهل مدینه است که در بستانی، محصور به چهار دیوار است.

در «تاریخ مدینه منوره» آمده است:

و بقیع الغرقد، مقبرة أهل المدينة... قال الأصمعي، قطعت غرقدات في هذا الموضع حين دفن فيه عثمان بن مظعون فسُمِّي بقیع الغرقد.<sup>۲</sup>

بقیع غرقد، مقبره اهل مدینه است. «صمعی» گوید: با دفن عثمان بن مظعون، درختان این موضع قطع شد و «بقیع الغرقد» نام گرفت.

«ابن منظور» در این باره می گوید:

«بقیع الغرقد، و هي مقبرة بالمدينة، و الغرقد شجر شوك كان ينبت هناك فذهب و بقي الاسم لازماً للموضع». <sup>۳</sup> «بقیع غرقد، مقبره ای در مدینه است، و غرقد درختی خاردار بوده که در آن می رویده است. سپس از بین رفت ولی اسم آن بر این مکان باقی ماند».

در «دائرة المعارف تشیع» آمده است:

بقیع (بقیع غرقد - جنة البقیع)، نام مشهورترین و قدیمی ترین قبرستان اسلامی، از زمان حضرت رسول ﷺ تا عصر حاضر، واقع در انتهای جنوب شرقی مدینه، به فاصله کمی از مسجدالنبی و بقعه مطهر حضرت محمد ﷺ، در خارج از دیوار قدیمی مدینه است که امروزه در وسط شهر قرار دارد. لفظ «بقیع»، به معنای زمین وسیعی است که دارای انواع درختان باشد، لذا آن را جنة البقیع (باغستان بقیع) نیز می نامند؛

۱. دائرة المعارف الشيعية، شيخ محمد حسين اعلمی حائری، جزء ۶.

۲. تاريخ المدينة المنورة، ابوزيد عمر ابن شبة، ج ۱ و ۲.

۳. لسان العرب، ابن منظور، ج ۸، ص ۱۸.

بقیع غرقد نامیدن آن، بدین سبب بوده که غرقد، نوعی خاربن است که پس از خرابی آن، در این مکان روئیده و فراوان بوده است.<sup>۱</sup>

از متون و منابع تاریخی، نقل می‌کنند که بقیع غرقد، که امروزه در شهر مدینه، به‌نام بقیع مشهور است، باغی بود که در آن خاربن‌هایی می‌روئید که پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و ساختن مسجد مدینه (مسجدالنبی) وقف مسلمانان شد. «اسعدبن زراره انصاری»، اولین صحابی مدفون در این قبرستان مقدس است.

### رسمیت یافتن دفن در بقیع، توسط پیامبر ﷺ

بقیع، نخستین مزاری است که به‌دستور و اقدام پیامبر گرامی اسلام بنا شد. این قبرستان در دوران پیامبر، در خارج شهر مدینه و دیوارهای آن قرار داشت، که درحال حاضر، با توسعه مدینه، وسط شهر واقع است. نخستین اقدام پیامبر، دفن اسعدبن زراره - از مهاجرین و فرد بلند مرتبه‌ای در نظر پیامبر - بود. «حضرت رسول، اسعدبن زراره را در بقیع، به خاک سپرد».<sup>۲</sup>

دومین شخص، «عثمان بن مظعون» مهاجر، برادر رضاعی پیامبر بود که حضرت، هنگام مرگ او فرمود: «ادفنوا عثمان بن مظعون فی البقیع یکون لنا سلفا فنعم السلف سلفنا عثمان»؛<sup>۳</sup> یعنی عثمان بن مظعون را در بقیع دفن کنید تا شاخص و یادگاری از گذشتگان ما باشد و چه شاخص نیکی است عثمان! پیامبر اکرم ﷺ بعد از دفن او، سنگی برای نشان، بر مزارش گذاشت.<sup>۴</sup> فوت او در ذی‌حجه سال دوم هجرت بود. فرزند پیغمبر

۱. دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۸۳.

۲. اسد الغابه، ج ۱، صص ۸۶ و ۸۷.

۳. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹۲.

۴. همان، ص ۸۹۳.

اسلام، «ابراهیم»، در سال ۱۰ هجری وفات کرد و بنا به فرمایش حضرت، او را به عثمان ملحق کرده، در کنار او به خاک سپردند.<sup>۱</sup>

پس از آن که شخصیت‌هایی مانند اسعد بن زراره، عثمان بن مظعون و ابراهیم در بقیع دفن شدند، مسلمانان به تأسی از پیامبر، مردگان خود را، که جزو صحابی آن حضرت بودند، در این قبرستان مطهر، دفن نمودند. «سپس پیغمبر خدا ﷺ دستور دادند آنجا را از بوته‌های خار ستردند و به مسلمانان ساکن مدینه اختصاص داده شد».<sup>۲</sup>

دو مدفن قدیمی مدینه، به نام «بنی سلمه» و «بنی حرام»، به تدریج متروک شد و مسلمانان، بقیع را مدفن و قبرستان عمومی خود دانستند.<sup>۳</sup>

### جایگاه بقیع در اندیشه نبوی

مدفونان بقیع، بیشتر، شخصیت‌های ممتازی هستند که در اندیشه نبوی و پس از رحلت پیامبر، حرمتی عظیم داشتند؛ شخصیت‌هایی که پیامبر بارها از عظمت آنان یادکرد و در سیره معصومان توجه زیادی به آنها شد.

در «وفاء الوفاء» آمده است:

قال المطري: ان أكثر الصحابة رضي الله تعالى عنهم ممن توفّي في حياة النبي و بعد وفاته مدفونون بالبقيع و كذلك سادات أهل بيت النبي و سادات التابعين و في مدارك عياض عن مالك: إنّ هناك بالمدينة من الصحابة نحو عشرة آلاف و قال المجدي، لاشك أنّ مقبرة البقيع محشوة بالجماة القفير من سادات الأمة.<sup>۴</sup>

۱. الاستيعاب ج ۲، ص ۴۹۴؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹۳؛ اسدالغابه، ج ۳، ص ۳۸۶.

۲. دائرة المعارف تشيع، ص ۸۶.

۳. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹۲.

۴. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۷۸.

مطری گوید: بیشتر صحابه (رضی الله عنهم) کسانی هستند که در دوره حیات پیامبر و بعد از وفات ایشان، در بقیع دفن شدند و همچنین بزرگان اهل بیت پیامبر و سادات تابعین در بقیع مدفون‌اند و در مدارک عیاض از مالک منقول است که مقبره‌ای در مدینه است که حدود ده هزار نفر از صحابه در آن مدفون‌اند و مجدی گفته است: شکی نیست که مقبره بقیع، جمع زیادی از بزرگان امت اسلامی را در خود جای داده است.

پیامبر ﷺ مدفونان در بقیع، را شخصیت‌های بزرگی می‌دانستند که در دوران سختی، ایشان را یاری کردند.

«واقدی» در «مغازی» نقل کرده است که پیامبر خدا، هنگام دفن سعد بن معاذ در بقیع غرقد؛ تکبیر گفتند و مسلمانان و صحابه نیز تکبیر گفتند. سپس، بر سعد بن معاذ لحد گذاشتند و تکبیر گفتند. از ایشان پرسیدند چرا تکبیر گفتید؟ فرمودند: «رأیت الملائكة تحمله»؛ «ملائکه را دیدم که جسد سعد را حمل می‌کردند».

حضرت رسول، درباره اصحابشان، فرمایشاتی دارند که در متون تاریخی، نقل‌های زیادی در این باره وجود دارد. در نوشتارهای بعدی و در مواضع خود، به آنها اشاره می‌کنیم. این نقل‌ها، نشان می‌دهد که پیامبر خدا، مدفونان بقیع را محترم می‌شمردند و از این رو، خاک مطهرش را گرامی می‌داشتند و به آن، فراوان سفارش می‌کردند. در این باره، نمونه‌هایی می‌آوریم:

ابن شبهه در «تاریخ المدینة المنوره» آورده است:

حدَّثنا هودة بن خليفة، قال: حدَّثنا عوف، عن الحسن، إنَّ النبي قام على أهل البقيع، فقال: السَّلام عليكم يا أهل القبور من المؤمنين و المسلمين، لو تعلمون ما نجاكم الله منه

۱. مغازی، محمد بن عمر واقدی، ج ۱، ص ۵۲۸.

مأ هو كائن بعدكم! ثم نظر إلى أصحابه، فقال: هؤلاء خير منكم، قالوا: يا رسول الله ما يجعلهم الله خيراً منا؟ قد أسلمناكم أسلموا وهاجرنا كما هاجروا، وأنفقنا كما أنفقوا، فما يجعلهم الله خيراً منا؟ قال: إن هؤلاء مضوا لم يأكلوا من أجورهم شيئاً و شهدت عليهم وإنكم قد أكلتم من أجوركم بعدهم، و لا أدري كيف تفعلون بعدى.<sup>۱</sup>

«هود بن خلیفه» نقل می کند که عوف به نقل از حسن می گوید که پیامبر خدا به بقیع آمد و فرمود: درود بر شما ای اهل قبور! درود بر مؤمنان و مسلمانان شما. اگر بدانید که خداوند شما را از چه شرووری نجات داده است! سپس در حالی که به اصحابشان می نگرستند، فرمودند: آنها از شما بهترند. گفتند: ای پیامبر خدا! از چه سبب، آنها بهتر از ما هستند؟ ما اسلام آوردیم، همان طور که آنها اسلام آوردند و هجرت نمودیم، چنانکه هجرت نمودند، انفاق کردیم، چنانکه انفاق کردند. پس، به چه سبب آنها بهتر از ما هستند؟ فرمود: آنها از دنیا رفتند در حالی که از نتیجه زحمات خود بهره ای نبردند و من شاهد اعمال آنان بودم و لکن شما نتیجه اعمالتان را می بینید و از آن بهره می برید و نمی دانم که شما بعد از من چه کار خواهید کرد.

همچنین «سمهودی» به نقل از «طبرانی» گوید که وی این حدیث را نقل کرده است:

روی الطبرانی فی «الکبیر»، محمد بن سنجر فی «مسند»، و ابن شبة فی «أخبار المدینه» من طریق نافع مولى حمنه، عن أم قیس بنت محصل، و هي أخت عكاشة إنَّها خرجت مع النبي إلى البقیع، فقال: يحشر من هذه المقبره سبعون ألفاً يدخلون الجنة بغير حساب و كان وجوههم القمر ليلة القدر.<sup>۲</sup>

طبرانی در «تاریخ کبیرش» روایت می کند که محمد بن سنجر در «مسندش» آورده است و ابن شبة در «اخبار المدینه» از طریق نافع (برده حمنه) و از ام قیس (دختر

۱. تاریخ المدینه المنوره، ابوزید عمر ابن شبة، ج ۱ و ۲، ص ۹۴.

۲. وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۸۶.

محصل) نقل نموده است که ام‌قیس با پیامبر خدا به بقیع رفت. پیامبر فرمود: هفتاد هزار تن از این مقبره، محشور و بدون حساب، وارد بهشت می‌شوند، گویی صورت‌هایشان مانند ماه شب چهارده است.

در منابع شیعه نیز به وفور، همین مضمون، آمده است که ما نمونه‌ای می‌آوریم:

«عن صفوان الجمال قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يخرج في ملاء من الناس من أصحابه كل عشية خميس إلى بقیع المدینین، فيقول: السّلام علیکم أهل الدیار - ثلاثاً - رحمکم الله ثلاثاً - ثمّ يلتفت إلى أصحابه فيقول: هؤلاء خیر منکم، فيقولون یا رسول الله ولم؟ آمنوا وآمنّا وجاهدوا وجاهدنا؟ فيقول: إنّ هؤلاء آمنوا ولم یلبسوا إیمانهم بظلم و مضوا علی ذلك و أنا لهم علی ذلك شهید، و أنتم تبقون بعدی و لا أدري ما تحدثون بعدی.<sup>۱</sup>

«صفوان جمال» از امام موسی بن جعفر نقل کرده که فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله، غروب هر پنج‌شنبه با اصحاب خود به بقیع می‌رفتند و می‌فرمود: سلام بر شما اهل قبور (سه مرتبه) و می‌فرمود: خدا رحمتان کند (سه مرتبه)، سپس به اصحابشان رو می‌کردند و می‌فرمودند: اینان از شما برترند. اصحاب می‌پرسیدند: چرا ای پیامبر؟ آنها ایمان آوردند، ما هم ایمان آوردیم. جهاد کردند و جهاد کردیم. فرمود: اینان ایمان آوردند ولی ایمانشان را به ستم آلوده نکردند و بر همین روش طی مسیر کردند و من گواه بر آنان بودم، اما شما بعد از من باقی می‌مانید درحالی‌که من نمی‌دانم چه خواهید کرد.

### اهتمام پیامبر صلى الله عليه وآله به حضور در بقیع

پیامبر صلى الله عليه وآله تا آخر عمر شریفشان، به حضور در بقیع، اهتمام داشتند و بر اهل بقیع سلام می‌کردند و برای آنها دعا و استغفار می‌نمودند.

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۹۹، ص ۲۹۶.



صاحب «الموسوعة الفقهية الميسرة»، آورده است:

وقد ورد في صحيح مسلم عن عائشة: إنها قالت: كان رسول الله، كلما كان ليلتها من رسول الله، يخرج من آخر الليل إلى البقيع فيقول: السلام عليكم دار قوم مؤمنين، و آتاكم ما توعدون غداً مؤجلون، و إنا إن شاء الله بكم لاحقون، اللهم اغفر لأهل بقيع الغرقد.<sup>۱</sup>

در «صحيح مسلم» از قول عایشه نقل کرده است: حضرت رسول «شب‌هایی که نوبت خانه من بود»، در آخر شب به بقیع می‌رفتند و می‌فرمودند: سلام بر منازل مؤمنان، شما رسیدید به آنچه خدا وعده داده بود، و ما هم، به خواست خدا، به شما ملحق خواهیم شد. خدایا اهل بقیع غرقد (مردگان آن) را ببخشای!

پیامبر خدا برای اصحاب خود، احترام زیادی قائل بودند و حضور در بقیع را وظیفه خود می‌دانستند. طبق نقل‌های مستند و موثق تاریخی، «در قبرستان بقیع بیش از ده هزار نفر از اصحاب، تابعین و بنی‌هاشم مدفون هستند».<sup>۲</sup>

نقل «ابن شبه» را صاحب «مرآة الحرمين» نیز آورده و همین گزارش را در کتاب خود نقل کرده است. نقل‌های تاریخی زیادی داریم که پیامبر، هر هفته چندین مرتبه به بقیع می‌رفتند و دست به دعا برمی‌داشتند و از خدا می‌خواستند: «اللهم اغفر لأهل بقیع الغرقد»<sup>۳</sup>؛ «خدایا! اهل بقیع غرقد را ببخش». در روایتی دیگر آمده است:

و كان: يخرج إلى البقيع فيقول: السلام عليكم دار قوم مؤمنين و أنا بكم إن شاء الله لاحقون، اللهم اغفر لأهل بقیع الغرقد.<sup>۴</sup>

۱. الموسوعة الفقهية الميسرة، محمد تقی انصاری، ص ۱۷.

۲. تاریخ المدينة المنورة، ابن شبه، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. المجموع، محیی‌الدین نووی، ج ۱۵، ص ۵۲۱.

۴. حواشی الشروانی، الشروانی، ج ۲، ص ۱۹۹.

پیامبر خدا ﷺ از منزل، خارج و به سوی بقیع می‌رفتند و می‌فرمودند: سلام بر شما، اهالی منازل خانه‌های قومی مؤمن، ما هم به خواست خدا به شما ملحق می‌شویم، خدایا! اهل بقیع غرقد را ببخش.

پیامبر ﷺ خود را مأمور می‌دانستند که برای اهل بقیع، دعا و استغفار کنند.

عن أبي مويهبه، مولى رسول الله قال: أهبني رسول الله من جوف الليل فقال: إني أمرت أن أستغفر لأهل البقيع، فانطلق معي، فانطلقت معه، فلما وقف بين أظهرهم، قال: السّلام عليكم يا أهل المقابر ليهنئكم ما أصبحتم فيه ممّا أصبح الناس فيه، أقبلت الفتن كقطع الليل المظلم، يتبع آخرها أولها، الآخرة شرّ من الأولى، ثمّ استغفر لهم طويلاً.<sup>۱</sup>

«بومويهبه»، [غلام پیامبر] نقل می‌کند: نیمه‌های شب بود که پیامبر مرا فرمان داد تا با ایشان باشم و فرمود: مأمور شده‌ام که برای اهل بقیع، طلب مغفرت کنم. پس با من بیا. من با ایشان رفتم. وقتی در برابر آنها ایستاد، فرمود: درود بر شما ای اهل قبرها! آسان صبح کردید، برای آنچه مردم، گرفتار آن هستند. فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تاریک بر آنها هجوم آورده، سرای آخرت، بدتر از امروزشان است. سپس برای اهل بقیع به مدت طولانی استغفار کردند.

در منابع تاریخی شیعه آمده است که پیامبر در اواخر عمر شریفشان، پس از آنکه سپاه اسامه را تجهیز نمودند و فرمان دادند که به مرز روم بروند، به شدت، بیمار شدند و همراه علی رضی الله عنه و عده‌ای از اصحاب به قبرستان بقیع رفتند:

فلما أحس بالمرض الذي عراه أخذ بيد علي بن أبي طالب و اتبعه جماعة من الناس و توجه إلى البقيع، فقال للذي أتبعه، إنني قد أمرت بالاستغفار لأهل البقيع، فانطلقوا معه، حتى وقف بين أظهرهم، قال: السّلام عليكم أهل القبور، ليهنئكم ما أصبحتم

۱. تاریخ المدينة المنوره، ج ۱، ص ۵۷.

فيه مما فيه الناس، أقبلت الفتن كقطع الليل المظلم، يتبع آخرها اولها ثم استغفر لأهل  
البعيع طويلاً.<sup>۱</sup>

چون پیامبر ﷺ احساس مریضی کردند [و با آن مریضی از دنیا رفتند]، دست  
علی [رضی الله عنه] را گرفتند و همراه جماعتی به بقیع رفتند و به همراهان فرمودند: من  
مأمور هستم که برای اهل بقیع طلب مغفرت کنم. حضرت مقابل اهل قبور ایستادند  
و فرمودند: سلام بر شما اهل قبور، تهنیت می گویم که شما در وضع مردم قرار  
ندارید، فتنه‌هایی همچون پاره‌های شب تار بر مردم هجوم آورده است... سپس به  
مدت طولانی برای اهل بقیع طلب مغفرت کردند.

### نماز خواندن پیامبر ﷺ در بقیع

بسیاری از روایات، می‌رسانند که پیامبر ﷺ در بقیع حاضر می‌شدند و برای جمعی  
از صحابه، نماز می‌خواندند. «عن معاوية عن أبي عبدالله في حديث و قد كان رسول الله ﷺ يخرج  
إلى البقيع فيصلي بالناس»<sup>۲</sup>؛ «معاوية بن عمار، در حدیثی آورده است که امام صادق [رضی الله عنه]  
فرمود: پیامبر به بقیع می‌رفتند و برای مردم نماز می‌گزاردند».

این قسم روایت، فراوان است که پیامبر خدا در بقیع، نماز بر جنازه می‌خواند، نماز عید  
می‌گزارد و گاهی هم، نمازی جهت درخواست مغفرت برای مدفونان بقیع می‌خواندند.  
به نحو تواتر<sup>۳</sup>، در منابع شیعه و سنی آمده است که پیامبر پس از آنکه توسط وحی،  
دریافت که نجاشی، پادشاه حبشه از دنیا رفته است، به جهت خدمت بزرگش به مهاجرین،  
مردم مدینه را در بقیع جمع کردند و بر نجاشی که در روم بود، نماز خواندند.

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۲۲، ص ۴۶۶.

۲. حدائق الناظرة، يوسف البحراني، ج ۱۰، ص ۲۶۶.

۳. اگر حدیثی را افراد مختلف از معصوم روایت کرده باشند و احتمال تبانی و دروغ‌سازی در میان نباشد و خلاصه  
برای انسان یقین‌آور باشد، آن را متواتر می‌نامند.

قَتَادَةُ وَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ» نَزَلَتْ فِي النَّجَاشِيِّ لَمَّا مَاتَ نَعَاهُ جَبْرِئِيلُ إِلَى النَّبِيِّ فَجَمَعَ النَّاسَ فِي الْبَقِيعِ وَ كُشِفَ لَهُ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ فَأَبْصَرَ سَرِيرَ النَّجَاشِيِّ وَ صَلَّى عَلَيْهِ فَقَالَتِ الْمُنَافِقُونَ فِي ذَلِكَ فَجَاءَتْ الْأَخْبَارُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ أَنَّهُ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَ مَا عَلِمَ هِرْقَلُ بِمَوْتِهِ إِلَّا مِنْ تُجَّارٍ رَأَوْا مِنَ الْمَدِينَةِ.<sup>۱</sup>

قتاده و جابرین عبدالله انصاری، درباره قول خدای متعال نقل نمودند که آیه: «همانا، از اهل کتاب است کسی که به خدا ایمان دارد. درباره نجاشی نازل شده است؛ آنگاه که نجاشی از دنیا رفت، جبرئیل، مرگ وی را به پیامبر ابلاغ کرد و آن حضرت، مردم را در بقیع، جمع کرد. تخت و تابوت نجاشی، برابر پیامبر ظاهر شد و تخت او را در حبشه می‌دید و بر جنازه وی نماز خواند. منافقان، سخن‌ها گفتند. پس، از هر ناحیه‌ای، خبر می‌آمد که نجاشی مرده است و «هرقل» هم با اخباری که از مدینه شنید، از مرگ نجاشی آگاه شد.

### امر پیامبر به حضور در بقیع

پیامبر ﷺ بسیار سفارش می‌کردند که صحابه به بقیع بروند و برای اهل آن، استغفار نمایند. در این باره، شاهد مواردی هستیم:

۱. امر به اینکه اصحاب، همراه ایشان در بقیع حاضر شوند؛
۲. امر به اصحاب که برای خواندن نماز میت، در بقیع حضور یابند؛
۳. امر به اصحاب که در بقیع حاضر شوند، به مدفونان آن دعا و برایشان طلب استغفار کنند؛
۴. امر به علی رضی الله عنه که همراه ایشان باشد و در بقیع دعا بخواند؛

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۳۰.

۵. امر به علی علیه السلام که به تنهایی، هر زمان که ممکن است و در آخر شب، به بقیع برود و برای اهل بقیع، دعا و استغفار کند.

مضمون روایات، موارد قبلی را تأیید می‌کند. در این خصوص، نمونه‌هایی می‌آوریم:

عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا ذَرٍّ جُنْدَبَ بْنَ جُنَادَةَ الْغِفَارِيَّ قَالَ رَأَيْتُ السَّيِّدَ مُحَمَّدًا وَقَدْ قَالَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ذَاتَ لَيْلَةٍ إِذَا كَانَ عَدَاً أَقْصِدْ إِلَى جِبَالِ الْبَقِيعِ وَقِفْ عَلَى نَشْزٍ مِنَ الْأَرْضِ فَإِذَا بَرَعَتِ الشَّمْسُ فَسَلِّمْ عَلَيْهَا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَمَرَهَا أَنْ تُجِيبَكَ بِمَا فِيكَ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَمَعَهُ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَجَمَاعَةٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ حَتَّى وَافَى الْبَقِيعَ وَقَفَّ عَلَى نَشْزٍ مِنَ الْأَرْضِ فَلَمَّا طَلَعَتِ الشَّمْسُ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْقَ اللَّهِ الْجَدِيدِ الْمُطِيعِ لَهُ فَسَمِعُوا دَوْبًا مِنَ السَّمَاءِ وَجَوَابَ قَائِلٍ يَقُولُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ.<sup>۱</sup>

از «سلیم بن قیس هلالی» منقول است: از «ابوذر جندب بن جناده غفاری» شنیدم که گفت: دیدم سید را (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را شبی به امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرمود: صبح که شد، به بقیع برو و بر قطعه‌ای از زمین آن بایست، وقتی که خورشید طلوع کرد، به آن سلام کن که خداوند به آن امر کرده است. هر چه بگویی، جواب دهد. چون صبح شد، امیرمؤمنان علیه السلام بیرون رفت و ابوبکر و عمر و جماعتی از مهاجر و انصار، با او بودند. وقتی به بقیع رسید، بر قطعه‌ای از زمینش مکث نمود و چون خورشید طلوع کرد، علی علیه السلام به خورشید سلام داد و فرمود: سلام بر تو ای خلق جدید خدا که خدا را اطاعت خالصانه می‌کنی. پس همراهان ناله‌ای شنیدند و جواب گوینده‌ای را که می‌گفت: درود بر تو ای علی.

در روایات فراوان آمده است که در ماجرای بازگشت جعفرین ابی‌طالب از حبشه،

۱. عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب، ص ۴.

پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه امر کرد، پارچه‌ای را که جعفر آورده است، به بقیع ببرد و دعا کند و سپس آن را تقسیم نماید.<sup>۱</sup>

در روایت دیگری آمده است که پیامبر ﷺ می‌خواست وصایای رازگونه‌ای را به علی رضی الله عنه بگوید. به «انس بن مالک» فرمود: برو و علی را بیاور. انس می‌گوید: رفتم و از علی خواستم به حضور پیامبر بیاید. علی آمد و پیامبر ﷺ به او فرمود:

انطلق معي، فجعلنا يمشيان و أنا خلفهما، وإذا غمامة قد أظلتها نحو البقيع ليس على المدينة منها شيء، فتناول النبي شيئاً من الغمامة وأخذ منها شيئاً شبه الأترنج، فأكل وأطعم علياً، ثم قال: هكذا يفعل كل نبي بوصيه<sup>۲</sup>

ای علی، با من بیا، آن دو با هم می‌رفتند و ابری بر سرشان سایه افکنده بود که در شهر مدینه سایه‌ای نداشت، پیامبر، پاره‌ای از ابر گرفت؛ نظیر ترنج. از آن خورد و به علی هم داد. سپس فرمود: چنین کاری را هر پیامبری با وصی خود انجام می‌دهد.

در ادامه همین روایت آمده است که پیامبر ﷺ، در بقیع، اسراری را به علی رضی الله عنه منتقل فرمودند.

### جایگاه دعای رسول خدا ﷺ در خانه عقیل

بیان شد که پیامبر اکرم ﷺ در اوقات مختلف در کنار بقیع، مناجات می‌کرد و بر اهل بقیع دعا و از خداوند متعال برای آنان استغفار و استرحام می‌فرمود و گاهی نیمه‌های شب به همین مقصود، رختخواب خود را ترک و به سوی بقیع می‌رفت. در روایت است که

عن خالد بن عوسجه: كنت أدعو ليلة إلى دار عقيل بن أبي طالب التي تلي باب الدار

۱. ر. ک: مدينة المعاجز، سيد هاشم بحراني، ج ۱، صص ۲۲۷ - ۲۳۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۸۵.

فمرّ بي جعفر بن محمد (عليها السلام) يريدُ العريض معه أهله فقال لي أَعَنْ أُنْثِرَ  
وقفت هاهنا؟ قلت: لا. قال: هذا موقف نبي الله ﷺ بالليل إذا جاء ليستغفر لأهل  
البعيع.<sup>۱</sup>

«خالد بن عوسجه» می گوید: شبی به سوی خانه عقیل که در جنب در این خانه قرار  
داشت، دعا می کردم. جعفر بن محمد عليه السلام که به همراه خانواده اش عازم عریض بود،  
مرا در آن حال دید و پرسید آیا درباره این محل خبر خاصی شنیده‌ای؟ گفتم: نه،  
فرمود: اینجا جایگاه دعای رسول خداست، شب هنگام که به استغفار برای أهل بقیع  
می آمد در این موضع توقف می کرد.

برداشتی که از برخورد پیامبر ص با بقیع و دیدگاه آن حضرت درباره این مکان، عاید  
است آنکه بقیع در اندیشه نبوی، جایگاهی رفیع دارد و آن حضرت، در هر موقف و  
زمان مناسبی درباره بقیع سفارش می کردند. رسول الله می خواستند، حضور در بقیع و  
احترام به آن، برای آیندگان سنت شود. در ادامه بحث و در مطاوی منقولات تاریخی،  
می بینیم که مردم مدینه، پیش از شهرت بقیع غرقد، چونان قبرستانی عمومی توسط  
پیامبر، مردگان خود را در گورستان عمومی «بنی حزام» و «بنی سالم» و گاهی داخل  
منازل خویش دفن می کردند. اما پس از اینکه پیامبر، اسعد بن زراره، عثمان بن مظعون و  
فرزندش ابراهیم را در قبرستان بقیع دفن کرد، این محل شهرت یافت و پس از آن،  
اهالی مدینه، اموات را به این قبرستان می آوردند و با سنت‌ها و تشریفات باقی مانده از  
دوران پیامبر، دفن می کردند.

مردم مدینه، با اقتدا به حضرت، خارهای غرقد را از آن ستردند و به طور کامل زمین  
آنجا را پاک نمودند و مردگان خویش را در آن دفن کردند.

۱. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹۰.

## موقعیت و مساحت بقیع

«جنت البقیع» (باغ بقیع) از جنوب شرقی نزدیک مسجد نبوی و خارج دیوار قدیمی مدینه، قرار داشت که امروزه از بین رفته است و از شرق، دری در آن دیوار بود که بقیع را به مدینه وصل می‌کرد و به نام در بقیع معروف بود.<sup>۱</sup> اکنون داخل مدینه واقع است و حدود آن ۱۵۰۰ متر مربع است و از چهار طرف با دیوار احاطه شده است. در سال‌های اخیر پس از تعمیر دیوارها، راه‌های سیمانی برای سهولت رفت و آمد و تدفین، به ویژه در فصل زمستان، احداث شده است<sup>۲</sup> و زمین‌های جدیدی به آن اضافه شده و توسعه بیشتری یافته است.<sup>۳</sup>

بخشی از بقیع، به جهت اینکه عمه‌های رسول خدا ﷺ در آن مدفون‌اند، به «بقیع عمّات» معروف است که مساحت آن، در حدود ۳۴۹۳ متر مربع است<sup>۴</sup> و کوچه‌ای، به نام «عمقه»، آن را از بقیع جدا می‌کند که مساحت آن ۸۲۴ متر مربع است.<sup>۵</sup> امروز دو بقیع به هم متصل است. طول کوچه از بین رفته است و به نام «رب صیران» و «باب الجمعة» معروف است<sup>۶</sup> و سعودی‌ها دیوار را در سال ۱۳۷۳ هجری قمری برداشتند.

در شمال بقیع، زمینی است که عثمان بن عفان برای مغاربه وقف کرد. اداره توسعه و نوسازی آن را تصاحب کرد و نرده‌های آهنی، اطراف آن کشیده است. در شمال این زمین، زمینی است که برای اشراف بود. فردی آن را خریداری نمود و ملکیت آن را به حکومت سعودی واگذار کرد.<sup>۷</sup>

۱. المدينة المنورة تطورها العمرانی و تراثها المعماری، ص ۱۵.

۲. المدينة المنورة التركيب الوظيفی، المتطورات والمتغيرات، ص ۱۴.

۳. بقیع، یوسف الهاجری، ص ۳۴.

۴. مدینه‌شناسی، ج ۱، ص ۳۹۴.

۵. همان.

۶. المدينة بين الماضي والحاضر، ابراهیم بن علی العیاشی، ص ۱۶۹.

۷. بقیع، ص ۳۴.



## طبقات و گروه‌های خفته در بقیع

بقیع را باید دانشنامه تاریخ صدر اسلام دانست؛ زیرا خفتگان در آن، از شخصیت‌های بارز صدر اسلام‌اند. از این‌رو اشخاص مدفون در بقیع را به گروه‌های ذیل تقسیم می‌کنند:

۱. علویان؛ الف) امامان شیعه علیهم‌السلام، ب) فرزندان بلافضل ائمه علیهم‌السلام، ج) نوادگان ائمه علیهم‌السلام و اشراف حسنی و حسینی؛
۲. همسران، فرزندان و اقوام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛
۳. صحابه پیامبر اسلام رضی‌الله‌عنهم؛
۴. تابعین، فقها و علما.

## امامان شیعه مدفون در بقیع

### ۱. امام حسن مجتبی علیه‌السلام

امام حسن علیه‌السلام، امام دوم شیعیان، فرزند امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در نیمه رمضان سال سوم هجری، در مدینه به دنیا آمد. در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان شرکت کرد و پس از شهادت پدر، به امامت منصوب شد و حدود شش ماه خلافت کرد. تا اینکه معاویه جنگی را بر آن حضرت تحمیل کرد و مردم ایشان را تنها گذاشتند و امام علیه‌السلام با معاویه صلح کرد و خلافت به دست معاویه افتاد. سرانجام به تحریک معاویه بن ابی سفیان، در سال ۵۰ هـ. ق به دست همسرش «جعدیه»، دختر «اشعث بن قیس»، مسموم شد و به شهادت رسید و در بقیع، کنار عباس، عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دفن شد.<sup>۱</sup>

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱؛ الخرائج والجرائج، ج ۱، ص ۲۴۲؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۲۱.

## ۲. امام زین العابدین علیه السلام

حضرت امام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، ملقب به زین العابدین و سجاد، امام چهارم شیعیان، در سال ۳۸ ه. ق به دنیا آمد. در کربلا همراه پدر بود و به دلیل بیماری نتوانست سلاح به دست گیرد و بجنگد. از این رو، آن حضرت را با اسیران دیگر به شام بردند و بعد از آن، نزدیک ۳۴ سال امامت کرد. سرانجام در سال ۹۴ ه. ق به تحریک «ولید بن عبدالملک»، مسموم شد و به شهادت رسید و کنار امام مجتبی علیه السلام در بقیع دفن شد.<sup>۱</sup>

## ۳. امام محمد باقر علیه السلام

امام محمد بن علی علیه السلام، امام پنجم شیعیان، در سال ۵۷ ه. ق در مدینه به دنیا آمد و تا سال ۹۴ ه. ق کنار پدر بزرگوارش زندگی کرد. پس از شهادت پدر، به امامت رسید. دوران امامت، به تربیت اخلاقی و آموزش علمی شیعیان و اصحاب خاص خود پرداخت. آن حضرت را «باقر العلوم»؛ یعنی شکافنده دانش‌ها لقب داده‌اند. امام باقر علیه السلام در سال ۱۱۴ ه. ق به تحریک «هشام بن عبدالملک»، به شهادت رسید و در کنار پدر بزرگوارش در بقیع دفن شد.<sup>۲</sup>

## ۴. امام جعفر صادق علیه السلام

امام جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم شیعیان، در سال ۸۳ ه. ق به دنیا آمد. پس از شهادت پدر، منصب الهی امامت را عهده‌دار شد. در دوران حیات، صدها شاگرد در رشته‌ها و علوم مختلف تربیت کرد. منصور، دومین خلیفه عباسی بر آن حضرت سخت

---

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۱۳۸؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۰؛ المناقب، ج ۳، ص ۳۱۰؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۷۵.  
۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۵۸؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۴۹۸؛ المناقب، ج ۳، ص ۳۴۰؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۳۱.

گرفت. سرانجام در سال ۱۴۸ هـ. ق ایشان را مسموم کرد و به شهادت رساند و حضرت در بقیع، کنار جد و پدرش، دفن شد.<sup>۱</sup>

### محل دفن چهار امام معصوم علیهم السلام در بقیع

در تاریخ است که: «دفن العباس بن عبدالمطلب عند قبر فاطمه بنت أسد بن هاشم فی اول مقابر بنی هاشم الّتی فی دار عقیل»<sup>۲</sup>؛ «عباس بن عبدالمطلب، در اول مقابر بنی هاشم و در داخل خانه عقیل در کنار قبر فاطمه بنت أسد، مدفون است».

صاحب «تاریخ المدینه» و صاحب «عمدة الأخبار» می نویسند:

وقتی که از دفن امام حسن مجتبی در کنار قبر جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله جلوگیری شد، امام حسین علیه السلام طبق وصیت برادرش او را کنار مقبره بنی هاشم و در کنار قبر فاطمه بنت أسد دفن کرد.<sup>۳</sup>

به مرور اجساد مطهر سه امام دیگر — علی بن الحسین زین العابدین و ابوجعفر محمد بن علی الباقر و ابوعبدالله جعفر بن محمد الصادق علیهم السلام — در این مدفن جاگرفت. «امام فخر رازی» که از علمای بزرگ اهل سنت است در کتاب خود می آورد: «یستحب أن یزور قبر الحسن بن علی و فیه أيضاً علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد رضی الله عنهم»<sup>۴</sup>؛ «مستحب است زیارت قبر حسن بن علی و همچنین در آنجاست قبر علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد که خدای تعالی از ایشان راضی باشد».

حال پرسش این است که با وجود بقیع، چرا پیکر عده‌ای از اقوام و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله در خارج این آرامگاه عمومی و در منزل دفن شده است؟

۱. اعلام الوری، ص ۲۶۶؛ المناقب، ج ۴، ص ۲۸۰؛ الفصول المهمة، ص ۲۰۸؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۹۰؛ تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۲۷؛ عمدة الأخبار، ص ۱۵۶.

۳. عمدة الأخبار، ص ۱۵۳؛ تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۱؛ الإرشاد، ص ۱۷۵.

۴. إحياء العلوم، ج ۱، ص ۲۶۰.

پاسخ این سؤال برای کسانی که با تاریخ مدینه آشنا هستند، روشن است؛ زیرا در آن زمان خاکسپاری افراد معروف و محترم داخل منازل و آرامگاه‌های خصوصی بیش از آنچه امروز مرسوم است، رواج داشته است. برای مثال عبدالله، پدر گرامی رسول خدا ﷺ در خانه نابغه، دفن شد. «رافع بن مالک»<sup>۱</sup>، انصاری بزرگوار و از صحابه و یاران با وفای پیامبر اکرم ﷺ - پس از شهادت در جنگ احد و انتقال به مدینه - در خانه «آل نوفل» به خاک سپرده شد.

### قبور فرزندان بلا فصل ائمه علیهم‌السلام در بقیع

#### ۱. محمد حنفیه فرزند امام علی علیه‌السلام

ابوالقاسم محمد بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، در سال ۲۱ هـ. ق در مدینه منوره به دنیا آمد. مادر وی، «خوله حنفیه» دختر «جعفر بن قیس» بود و به همین جهت، به نام «محمد بن حنفیه» یا محمد حنفیه شناخته می‌شود.<sup>۲</sup> از رسول خدا ﷺ روایت شده است که ایشان از جمع میان نام و کنیه، نهی می‌کردند، اما به امام علی علیه‌السلام اجازه دادند که برای فرزندشان محمد، اسم و کنیه را جمع کند. او در جنگ‌های امام شرکت داشت و در جریان جنگ جمل، امام علیه‌السلام پرچم لشکر را به او داد.<sup>۳</sup> در زمان امام زین العابدین علیه‌السلام، گروهی از شیعیان، امامت محمد حنفیه را پس از امام حسین علیه‌السلام پذیرفتند و مدعی شدند او نمرده است، بلکه زنده و در کوه «رضوی» (در اطراف مدینه) زندگی می‌کند. این گروه در تاریخ به «کیسانیه» معروفند. محمد حنفیه بنابر قول مشهور، در سال ۸۱ هـ. ق در مدینه منوره درگذشت و در قبرستان بقیع دفن شد.<sup>۴</sup>

۱. أسد الغابه، ج ۲، ص ۱۵۸؛ وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۴۱.

۲. وفيات الاعیان، ج ۴، صص ۱۶۹ - ۱۷۲؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۷۰.

۳. سر الانساب العلویة، سهل بن عبدالله (ابونصر بخاری)، صص ۲۴۷ و ۲۴۸.

۴. سر الانساب العلویة، ص ۲۴۷.

## ۲. عمر اطرف فرزند امام علی علیه السلام

مادرش «صهباء» دختر «زمعة بن ربیع» بود. او بیش از ۸۵ سال عمر کرد و در بقیع دفن شد.<sup>۱</sup>

## ۳. حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام

او متولی صدقات امیرمؤمنان علیه السلام و همسر فاطمه دختر امام حسین علیه السلام بود. کنار امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا شرکت کرد و در جریان جنگ زخمی شد، اما به شهادت نرسید. از این رو، همراه اسرای کربلا به مدینه آمد و در سال ۹۷ یا ۹۹ ه. ق در این شهر وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

## ۴. زید فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام

او سیدی جلیل القدر و شخصی کریم بود که نفس لطیف و خیر بی شمار داشت. جزو اصحاب امام سجاد علیه السلام و از روایت احادیث شیعه و متولی صدقات رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان «ولید بن عبدالملک» بود. در سال ۱۲۰ ه. ق در سن ۷۰ یا ۹۰ سالگی وفات یافت و در بقیع دفن شد.<sup>۳</sup>

## ۵. سکینه دختر امام حسین علیه السلام

وفات او را در سن ۸۰ یا ۹۰ سالگی در مدینه، روز پنجشنبه، پنجم ربیع الاول سال ۱۰۷ یا ۱۱۷ ه. ق نوشته اند. ایشان در بقیع مدفون است.<sup>۴</sup>

۱. جواهر المطالب، ج ۲، ص ۱۲.

۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۴۰۱؛ بقیع الغرقد، ص ۲۲۵.

۳. سر السلسلة العلویة، ص ۲۱؛ الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۳۱۸؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۹، ص ۳۸۱؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۱؛ امراء المدینة المنورة، ص ۱۳۲؛ تهذیب الكمال، ج ۳، ص ۶۸۱.

۴. الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۷۵؛ انساب الاشراف، ص ۱۹۷؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۹، ص ۲۱۷؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۶۸.

#### ۶. حسین اصغر فرزند امام زین العابدین علیه السلام

او از فرزندان جلیل‌القدر امام زین العابدین علیه السلام و از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. در سال ۱۵۷ ه. ق در سن ۷۴ سالگی وفات یافت و در بقیع دفن شد.<sup>۱</sup>

#### ۷. اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام

اسماعیل فرزند امام جعفر صادق علیه السلام، مادرش فاطمه دختر حسین فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام بود. با اهل و عیال خود در منطقه غریض زندگی می‌کرد و سرانجام در دوران حیات پدر بزرگوارش در سال ۱۳۸ یا ۱۴۵ ه. ق وفات یافت و در فاصله حدود ۱۵ متری قبور ائمه علیهم السلام در بقیع به خاک سپرده شد. پس از احداث خیابان اباذر، قبر اسماعیل را داخل بقیع بردند.<sup>۲</sup> فرقه اسماعیلیه به وی منسوبند.

#### ۸. عبدالله (فطیم) فرزند امام جعفر صادق علیه السلام

فرزند کوچکی از امام صادق علیه السلام بود که در زمان حیات پدر و جدش امام باقر علیهما السلام درگذشت و در بقیع دفن شد.<sup>۳</sup>

#### قبور نوادگان ائمه علیهم السلام و اشراف حسنی و حسینی

جمع کثیری از علویان ساکن در مدینه و یا اشراف حسنی و حسینی و نقبای سادات که در مدینه وفات یافتند، در قبرستان بقیع دفن شدند. در اینجا به اسامی تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱. رجال الطوسی، ص ۱۸۲؛ نقد الرجال، ج ۲، ص ۱۰۶؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۴۸؛ طرائف المقال، ج ۲، ص ۱۵؛ سر

السلسلة العلویة، ص ۶۹؛ تهذیب المقال، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲. عمدة الطالب، ص ۲۳۳؛ اعلام الوری، ص ۲۸۴.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۰۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۹۸؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۶۴.

۱. محمد بن عون الاکبر بن محمد حنفیه فرزند امام علی علیه السلام.<sup>۱</sup>
۲. محمد بن عبدالله محض بن حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام؛ معروف به «نفس زکیه». در سال ۱۴۵ ه. ق بر «منصور دوانیقی» خروج کرد و در روز دوشنبه ۱۴ رمضان همان سال شهید شد و در بقیع دفن گردید.<sup>۲</sup>
۳. ابراهیم بن موسی بن عبدالله بن موسی الجون بن عبدالله محض بن حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام؛ از سادات حسنی و جلیل القدر است که در زندان «مهتدی» از خلفای عباسی به شهادت رسید و در بقیع مدفون شد.<sup>۳</sup>
۴. عبدالله بن محمد الاخیضر الصغیر الامیر بن یوسف الاخیضر بن ابراهیم بن موسی الجون بن عبدالله المحض بن حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام؛ در سال ۲۵۶ ه. ق به دست «ابی الساج» در زندان کشته شد.<sup>۴</sup>
۵. ابراهیم، احمد، صالح، سلیمان و عیسی فرزندان یحیی بن احمد بن محمد بن یحیی بن عبدالله المحض بن حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام؛ این پنج تن به دست «ابوالساج» در مدینه زندانی شدند و پس از وفات در زندان، در بقیع به خاک سپرده شدند.<sup>۵</sup>
۶. محمد الشعرائی بن احمد بن یحیی بن محمد بن علی العریضی فرزند امام جعفر صادق علیه السلام؛ به دست «بنوطی» کشته شد و در مدینه مدفون شد.<sup>۶</sup>
۷. حسین بن علی الحسینی المدنی، فرزند «شدقم» و همسرش؛ از اشراف سادات

۱. المجدی، ص ۴۲۹.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۹۳؛ شجرة الطوبی، ج ۱، ص ۱۶۳؛ البداية والنهاية، ج ۱۰، ص ۹۶؛ اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۳.

۳. المجدی، ص ۵۳؛ مقاتل الطالبیین، ص ۴۳۹؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۴.

۴. المجدی، ص ۲۳۴.

۵. همان، ص ۲۴۶.

۶. لباب الانساب، ج ۲، ص ۴۵۶.

حسینی مدنی و نقیب سادات، عالمی جلیل‌القدر، محدثی شاعر و ادیبی توانا بود. در سال ۹۴۲ ه. ق در مدینه به دنیا آمد و در ۱۴ صفر سال ۹۹۹ در سن ۵۷ سالگی در هند وفات یافت. جسد ایشان، را فرزندش به مدینه آورد و در بقیع به خاک سپرد.<sup>۱</sup>

۸. داوود بن عبدالله بن موسی الجون بن عبدالله المحض بن حسن المثنی فرزند امام حسن علیه السلام؛ او مکنی به ابومحمد و معروف به بصری و مادرش از طلحیه بود. او از رایان حدیث بود. در بادیه قیام کرد و توسط ابوالساج دستگیر شد و در زندان، درگذشت و در بقیع دفن شد.<sup>۲</sup>

۹. عبدالقادر بن عبداللطیف بن محمد بن احمد حسنی؛ مکنی به ابوصالح و ملقب به محیی‌الدین فاسی مکی، در سال ۸۴۲ ه. ق در مکه به دنیا آمد و قضاوت حنبله این شهر را در سال ۸۳۶ ه. ق به عهده داشت. سپس قضاوت مدینه را نیز در سال ۸۶۵ ه. ق به عهده گرفت. فقه تدریس می‌کرد و فتوا می‌داد. سرانجام در شعبان سال ۸۹۸ ه. ق وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.<sup>۳</sup>

۱۰. عبدالهادی بن احمد صقلی حسینی؛ مکنی به ابونقی، از اهالی فاس و قاضی آنجا بود. در سال ۱۳۱۱ ه. ق در مدینه وفات یافت و در بقیع دفن شد.<sup>۴</sup>

۱۱. سید شرف‌بن عبدالله موسوی؛ از سادات جلیل‌القدر موسوی و ادیبی ماهر بود. در روستای «تویثیر» در «احساء» به سال ۱۳۱۲ ه. ق به دنیا آمد و در سال ۱۴۰۹ ه. ق در این شهر وفات یافت و در بقیع دفن شد.<sup>۵</sup>

۱. امل الآمل، ج ۲ ص ۷۰؛ اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۱۷۵؛ معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۲۵۱.

۲. المجدی، ص ۴۹.

۳. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۹، ص ۱۳۱؛ بقیع الغرقد، ص ۲۵۴.

۴. الاعلام، ج ۴، ص ۱۷۲.

۵. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۱۷۹؛ بقیع الغرقد، ص ۲۴۲.



### قبر فرزندان پیامبر ﷺ در بقیع

در قبرستان بقیع، سه تن از دختران (و به قولی فرزندخواندگان) پیامبر ﷺ به نام‌های زینب، ام‌کلثوم و رقیه، کنار هم مدفون‌اند.<sup>۱</sup> همچنین یکی از پسران رسول خدا ﷺ به نام ابراهیم، در بقیع مدفون است. او در سال ۸ ه. ق در مدینه از ماریه قبطیه (مادرش) متولد شد و پیامبر به وی بسیار علاقه داشت. اما پس از مدت کوتاهی در سال ۱۰ ه. ق از دنیا رفت و به دستور آن حضرت، کنار قبر «عثمان بن مظعون» در بقیع دفن شد.<sup>۲</sup>

### قبر همسران پیامبر ﷺ در بقیع

به جز حضرت خدیجه رضی الله عنها که در قبرستان حُجون (مُعلاً) در مکه مکرمه و نیز «میمونه» که در منطقه «سیرف» از توابع مدینه مدفون است، قبور سایر همسران پیامبر ﷺ در بقیع قرار دارد که از این قرار است:

۱. ام‌سلمه: نامش هند است. او و همسرش «ابوسلمه»، از نخستین مسلمانان بودند. ابوسلمه در جنگ احد، مجروح و پس از مدتی به شهادت رسید. بعد از شهادت وی، ام‌سلمه به ازدواج پیامبر ﷺ درآمد و در سال ۶۱ ه. ق پس از واقعه عاشورا بدرود حیات گفت.<sup>۳</sup>

۲. زینب بنت جحش: او ابتدا به عقد «زیدبن حارثه» درآمد. در سال پنجم هجری از وی جدا شد و با پیامبر ﷺ ازدواج کرد و سرانجام در سال ۲۰ ه. ق در سن ۵۰ سالگی (در مدینه) درگذشت.<sup>۴</sup>

۱. بقیع الغرقد، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۲. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۸۸؛ تاریخ المدینة، ج ۱، ص ۹۷؛ بقیع الغرقد، ص ۱۴۱.

۳. وفاء الوفاء، ج ۳، صص ۹۱۱ و ۹۱۲.

۴. الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۷۸؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۰۴.

۳. زینب بنت خزیمه: او همسر یکی از صحابه پیامبر ﷺ بود که پس از شهادت وی به عقد آن حضرت درآمد. به جهت عطوفت و مهربانی با مساکین، به «ام‌المساکین»، لقب یافت. سرانجام درحالی‌که بیش از سی سال نداشت، در سال ۴ ه. ق درگذشت.<sup>۱</sup>
۴. ماریه قبطیه: او دختر «شمعون قبطیه» و مادر ابراهیم پسر رسول خدا ﷺ است. وی در سال ۱۶ ه. ق در مدینه، درگذشت.<sup>۲</sup>
۵. جُویریّه بنت حارث: پدرش «حارث بن ضرار خزاعی»، رئیس قبیله «بنی‌المصطلق» بود. او در سال ۵ یا ۶ ه. ق پس از غزوه بنی‌المصطلق به ازدواج پیامبر ﷺ درآمد و در سال ۵۰ ه. ق در مدینه، وفات یافت.<sup>۳</sup>
۶. صفیه بنت حی بن اخطب: او همسر «ابوعبید سلام بن مشکم یهودی» بود که پس از مرگ وی به عقد «کنانه بن ربیع یهودی» درآمد و پس از کشته شدن وی در جنگ خیبر، پیامبر ﷺ او را آزاد و با وی ازدواج کرد. او در سال ۵۰ یا ۵۲ ه. ق در مدینه، درگذشت.<sup>۴</sup>
۷. سوده بنت زمعه: او همسر «سکران بن عمرو» بود که پس از سکران به عقد پیامبر ﷺ درآمد. در سال ۵۴ ه. ق در مدینه، وفات یافت.<sup>۵</sup>
۸. ریحانه بنت زید: او دختر «زید بن عمرو بن خنافه» از طایفه «بنی‌نضیر» بود که پس از اسارت، توسط پیامبر ﷺ آزاد شد و در سال ۶ ه. ق با حضرت ازدواج کرد. او هنگام بازگشت از حجة الوداع درگذشت و در بقیع دفن شد.<sup>۶</sup>
۹. ام‌حبیبه دختر ابوسفیان: نامش «رمله» است. او به همراه همسرش عبدالله بن

۱. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۵۹۹؛ السیره النبویه، ج ۲، ص ۶۴۸.

۲. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۵۳.

۳. اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۷۰.

۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۴۴.

۵. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۶۷.

۶. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۳۰.

جَحش به حبشه هجرت کرد. همسرش در حبشه، مرتد شد و پس از مدتی درگذشت. سپس ام حبیبیه به عقد پیامبر ﷺ درآمد. او در سال ۴۲ یا ۴۴ ه. ق در مدینه درگذشت.<sup>۱</sup>

۱۰. عایشه دختر ابوبکر: او در سال ۴ بعثت به دنیا آمد و سه سال پس از وفات حضرت خدیجه، با پیامبر ﷺ ازدواج کرد و در سال ۵۷ یا ۵۸ ه. ق درگذشت.<sup>۲</sup>

۱۱. حفصه دختر عمر بن خطاب: پنج سال پیش از بعثت به دنیا آمد و با «خنس بن حذافه» ازدواج کرد. پس از درگذشت وی، به عقد پیامبر ﷺ درآمد و بنا به گفته واقدی، در سال ۴۵ ه. ق در مدینه از دنیا رفت.<sup>۳</sup>

### قبر منسوبین پیامبر ﷺ

#### ۱. عباس بن عبدالمطلب

عموی پیامبر ﷺ و از شخصیت‌های بزرگ قریش بود که سه سال قبل از عام الفیل در مکه متولد شد. او در سال ۳۲ ه. ق در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.<sup>۴</sup>

بیشتر فرزندان وی از اصحاب و دوستان ارادتمندان امیرمؤمنان (علیه السلام) بودند و از میان آنان «عبدالله بن عباس» به علم و دانش شهرت داشت و خلفا از فرزندان او هستند.

#### ۲. صفیه بنت عبدالمطلب

عمه رسول خدا ﷺ، همسر «عوام بن خویلد» و مادر زبیر بود. در نبرد احد با گروه زنانی بود که به سوی احد آمدند و برای شهادت حمزه مرثیه‌سرایی کردند. او سرانجام در سال ۲۰ ه. ق در حالی که ۷۵ سال داشت، از دنیا رفت و در بقیع دفن شد.<sup>۵</sup>

۱. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۴۰.

۲. وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۱۶؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۴۲۵.

۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۵.

۴. الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۳۲.

۵. اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۳۹۰.

### ۳. عاتکه بنت عبدالمطلب

طبق برخی نقل‌ها، عاتکه عمه پیامبر ﷺ پس از آمدن به مدینه، وفات یافت و در بقیع کنار قبر صفیه دفن شد.<sup>۱</sup>

### ۴. حلیمه سعدیه

او مادر رضاعی پیامبر ﷺ بود که پیامبر ﷺ در دوره نوزادی، از او شیر می‌نوشید. قبر وی در بقیع نزدیک قبر «عثمان بن عفان» است.<sup>۲</sup>

### قبور منسوبین به امیرالمؤمنین علیؑ

۱. فاطمه بنت اسد: همسر ابوطالب و مادر امام علیؑ و از نخستین بیعت‌کنندگان با پیامبر ﷺ بود. او از چنان قداستی برخوردار شد که به کعبه راه یافت و فرزندش علی بن ابی‌طالبؑ را در آنجا به دنیا آورد. پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، همراه فرزند امیرمؤمنان علیؑ به مدینه هجرت کرد و سرانجام در این شهر در سال چهارم هجرت درگذشت. پیامبر ﷺ بر جنازه‌اش نماز گزارد و درحالی‌که بر وی می‌گریست، او را در قبرش (در بقیع) گذاشت.<sup>۳</sup>

۲. ام‌البنینؑ: نامش فاطمه و دختر حزام بن خالد بود که به همسری امام علیؑ در آمد و چهار پسر از آن حضرت به نام‌های عباس، جعفر، عثمان و عبدالله به دنیا آورد و این چهار فرزند همگی در کربلا و در رکاب امام حسینؑ به شهادت رسیدند.<sup>۴</sup>

۳. عقیل بن ابی‌طالب: او برادر امیرمؤمنان علیؑ است که پس از هجرت پیامبر ﷺ

۱. بقیع الفرد، ص ۱۴۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۳۳.

۴. همان، ص ۱۳۸.

اسلام آورد. در پیری، نابینا شد و قبل از واقعه «حرّه» درگذشت و در محل معروف به خانه عقیل (در بقیع) دفن شد.<sup>۱</sup>

۴. عبدالله بن جعفر بن ابی طالب: او برادرزاده امیرمؤمنان علیه السلام و همسر دختر گرامی ایشان، حضرت زینب کبری علیها السلام است. مادرش «اسماء بنت عمیس» بود و عبدالله همراه والدینش به حبشه هجرت کرد. در جنگ مؤتّه، پدرش را از دست داد. در دوره خلافت امام علی علیه السلام در جنگ صفین حضور داشت و در سال ۸۰ ه. ق، در سن ۹۰ سالگی، در مدینه، درگذشت و در «خانه عقیل» (در بقیع) دفن شد.<sup>۲</sup>

### تعداد صحابه مدفون در بقیع

از تعداد دقیق صحابه مدفون در بقیع، اطلاع نداریم. با این حال، مرحوم مجلسی می‌نویسد:

«ذكر القاضي عياض في المدارك أن المدفونين من أصحاب النبي صلى الله عليه وآله هناك عشرة آلاف ولكن الغالب منهم مخفي الآثار عيناً و جهةً، و سبب ذلك أن السابقين لم يعلموا القبور بالكتابة و البناء، مضافاً إلى أن تَمَادَى الأيام يوجب زوال الآثار...»<sup>۳</sup>

قاضی عیاض در مدارک خود آورده است: تعداد مدفونان بقیع (اصحاب پیامبر صلى الله عليه وآله)، ده هزار نفرند. لیکن آثار بیشتر آنها، از جهت اصل و نام و نشان، مخفی است. به سبب اینکه گذشتگان، قبور آنها را با نگاشتن کتیبه‌ها و ساختن بناها مشخص نکردند. مضاف اینکه، گذر ایام موجب زوال نشانه‌ها شد.

۱. الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۴۴؛ اخبار مدينة الرسول صلى الله عليه وآله، ص ۱۵۴.

۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۹۱۱.

۳. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۹۷.

## قبر مطهر صحابه و یاران صادق

پیامبر خدا ﷺ صحابه‌ای خالص و صادق داشت که در دوران حیاتشان به راه و سیره آن حضرت وفادار بودند. آنان شخصیت‌های بزرگ اسلام هستند که همواره پیامبر ﷺ را یاری کردند.

۱. عثمان بن مظعون: کنیه وی «ابوالسائب» و چهاردهمین شخص از مسلمانان بود که با عشق و خلوص به پیامبر ﷺ ایمان آورد. او پس از تحمل سختی‌ها همراه فرزند خود، سائب به حبشه مهاجرت کرد.

او فردی عابد بود و رسول خدا ﷺ علاقه شدیدی به ایشان داشت<sup>۱</sup> و به عنوان برادر رضاعی رسول خدا ﷺ شناخته می‌شد.<sup>۲</sup> در ذی‌حجه<sup>۳</sup> سال دوم<sup>۴</sup> یا پنجم هجری وفات یافت.<sup>۵</sup> او اولین صحابه رسول خدا ﷺ است که در بقیع به خاک سپرده شد.<sup>۶</sup> پیامبر ﷺ پس از مرگ ابن مظعون بر صورت و پیشانی وی بوسه زد و چون دفن شد، فرمود: نیکو سلفی برای ما بود.<sup>۷</sup>

۲. اسعد بن زراره انصاری: او از قبیله و بزرگان بنی‌نجرار بود. وی یکی از شخصیت‌های برجسته بیعت عقبه بود و در عقبه اول و دوم حضور داشت. اول شخص مدنی است که با پیامبر ﷺ بیعت کرد تا از وضعیتی ناگوار رها شود. اول کسی است که نماز جمعه را در مدینه برپا کرد. کمک‌های شایانی به هجرت پیامبر ﷺ کرد و برای حضور پیامبر در مدینه

۱. شخصیات اخری من الصحابة، ص ۲۳۸. «وكان رسول الله ﷺ محبه حباً شديداً».

۲. بقیع الغرقد، ص ۸۵؛ تحفة الاحوذی، ج ۴، ص ۵۴.

۳. الأحاد والمثنائی، ج ۱، ص ۲۴۵.

۴. تاریخ الامم والملوک، طبری، ج ۲، ص ۱۷۷؛ بقیع الغرقد، ص ۲۶۴.

۵. دائرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۴۳۵؛ بقیع، ص ۳۵.

۶. فتح الباری، ج ۹، ص ۹۶؛ الاصابة، ج ۴، ص ۳۸۲.

۷. المعارف، ص ۴۲۲؛ شخصیات اخری من الصحابة، ص ۲۳۸.

زمینه‌سازی نمود. اسعد منزلت والایی نزد رسول خدا ﷺ داشت.<sup>۱</sup> آن حضرت ﷺ بر جنازه وی نماز گزارد و او را در بقیع به خاک سپرد.<sup>۲</sup>

۳. ابوسعید خدری: نام وی «سعد بن مالک بن شیبان انصاری» است که به کنیه خود شهرت یافت و چون منسوب به «خُدَره» بود، خُدَری خوانده می‌شد. او از صحابه مشهور و با فضیلت رسول گرامی ﷺ است. در سال ۷۴ ه. ق و در سن ۹۴ سالگی وفات یافت.<sup>۳</sup> ابوسعید خدری شاهد بسیاری از سخن‌ها، عمل‌ها و اقدامات پیامبر ﷺ بود و به موقعیت اهل بیت ﷺ و دشمنان آنان آگاهی داشت.<sup>۴</sup>

۴. اسید بن حضیر بن سماک اشهلی: او از بزرگان صحابه پیامبر ﷺ و از نقبا و بزرگان انصار است. کنیه‌اش «ابویحیی» و بنابر قولی «ابوعتیق» است. پدر وی رئیس قبیله اوس و به «حضیر الکتائب» معروف بود. اسید بن حضیر، زمان ورود پیامبر ﷺ و مهاجران (از مکه) به مدینه، خانه‌اش را به آنان داد، اموال خود را میان آنان تقسیم کرد و ایشان را برگزید. او در جنگ بدر حضور داشت و در ماه شعبان سال ۲۰ ه. ق وفات یافت و عمر بن خطاب بر وی نماز گزارد و در بقیع دفن شد.<sup>۵</sup>

۵. خُنَیس بن حذافه: ایمان کامل به پیامبر ﷺ داشت و کسی است که با اخلاص کامل به مدینه هجرت کرد و در خانه «ارقم بن ابی‌ارقم» حضور یافت. در جنگ بدر شرکت کرد و در آغاز ۲۵ ه. ق وفات یافت. پیامبر ﷺ بر جنازه وی نماز گزارد و

۱. تعجیل المنفعة بزوائد رجال الائمة الاربعة، ص ۳۲.

۲. الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۶۱۱؛ الثقات، ج ۱، ص ۱۳۵؛ بقیع الغرقد، ص ۳۷، ۲۱۷ و ۲۱۸.

۳. تحفة الاحوذی، ج ۶، ص ۳۵؛ الغدير، ج ۱، ص ۴۲؛ اعيان الشيعة، ج ۷، ص ۲۴۷؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۰۱؛ الدرجات الرفیعة، ص ۲۱۱؛ بقیع الغرقد، ص ۲۱۰.

۴. میقات حج، شماره ۶۵، ص ۷۳.

۵. مشاهیر علماء الامصار، ص ۳۳؛ بقیع الغرقد، ص ۲۲۰؛ الثقات، ج ۳، ص ۶؛ البداية والنهاية، ج ۷، ص ۱۱۶؛ الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۶۰۶؛ اسد الغابة، ج ۱، ص ۹۳.



دستور داد او را در کنار قبر «عثمان بن مظعون» دفن کنند.<sup>۱</sup>

۶. سعد بن معاذ: او از انصار و مردی رشید و تنومند و زیبا صورت بود. در جنگ‌ها، همگام با پیامبر ﷺ شرکت داشت. در جنگ خندق تیری از سپاه دشمن به او اصابت کرد و به شهادت رسید. هنگام شهادت ۳۰ سال داشت. پیامبر خدا ﷺ فرمان داد بدن ایشان را به مدینه آورند و پس از اینکه بر جنازه وی نماز گزارد، در بقیع دفن شد.<sup>۲</sup>

۷. مقداد بن اسود: نام و نسب وی ابوسعید مقداد بن عمرو بن ثعلبة بن مالک بن ربیع بن عامر بن مطرود البهرانی الکندی است. او از «حضر موت» به مکه آمد و از نخستین کسانی بود که ایمان آورد. پس از رحلت پیامبر ﷺ، کنار امام علی ع و جزو شیعیان و پیروان آن حضرت بود. سرانجام در سال ۳۳ هـ. ق در منطقه جرف، واقع در سه فرسنگی مدینه از دنیا رفت. جنازه‌اش را بر دوش گرفتند و به مدینه آوردند. گویند در زمان وفات هفتاد سال داشت و عثمان بر او نماز گزارد و در بقیع، دفن شد.<sup>۳</sup>

۸. عبدالله بن مسعود: «ابوعبدالرحمان، عبدالله بن مسعود»، از اصحاب گرامی و مشهور پیامبر خدا ﷺ و از صاحبان مصاحف و مفسران بزرگ قرآن مجید بود. در مکه متولد شد و در کودکی به چوپانی گوسفندان «عقبه بن ابی معیط» اشتغال داشت. در آغاز بعثت، بر اثر معجزه‌ای که از پیامبر ﷺ دید، اسلام آورد. او نخستین کسی است که قرآن را با صدای بلند خواند و قرائتی بسیار شیوا و رسا، با لحنی زیبا داشت. حافظ قرآن بود

۱. الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۳۹۲؛ بقیع الغرقد، ص ۲۳۱؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶؛ بقیع، یوسف الهاجری، ص ۴۶.

۲. الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۴۳۳؛ وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۲۸۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۲۹۰؛ سبل الهدی والرشاد، ج ۱، ص ۳۷۹؛ مستدرک سفینة البحار، ج ۳، ص ۱۹۰ و ج ۶، ص ۴۷۱.

۳. الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۱۶۳؛ الثقات، ج ۲، ص ۲۵۴؛ الغدير، ج ۵، ص ۶۸؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۰، صص ۱۸۲ و ۱۸۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۸۶؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۹۶؛ الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۳۴۳؛ مستدرک سفینة البحار، ج ۵، ص ۲۱۲؛ بقیع الغرقد، ص ۲۸۱.



و بارها پیامبر ﷺ از او خواست، قرآن بخواند. به پیامبر ﷺ بسیار نزدیک بود و به همین جهت وی را «صاحب السفل لرسول الله» می دانستند؛ یعنی کسی که افتخار می کند کفش های پیامبر ﷺ را به دست گیرد. سرانجام در سال ۳۲ ه. ق در مدینه منوره از دنیا رفت و در بقیع دفن شد. هنگام وفات بیش از شصت سال سن داشت.<sup>۱</sup> بر جنازه وی «عثمان بن عفان»<sup>۲</sup> و بنابر قولی «زبیر بن عوام»<sup>۳</sup> نماز گزارد.

۹. اسامه بن زید: «اسامه بن زید بن حارثه بن شراحیل کلبی»، کنیه اش ابومحمد که از فرزندان اسلام است و جاهلیت را درک نکرد. او صفات کریمانه و خصال برجسته ای داشت و در سال ۹ ه. ق، از سوی رسول خدا ﷺ به فرماندهی سپاه در برابر رومیان، نصب گردید. اسامه در سال ۵۴ ه. ق، در اواخر خلافت معاویه، در سن ۷۵ سالگی وفات یافت و در بقیع دفن شد.<sup>۴</sup>

۱۰. ارقم بن ابی ارقم: نام وی «عبدمناف» و از نخستین اسلام آوردندگان است. بنابر قولی، سومین نفری است که به پیامبر ﷺ ایمان آورد. علاقه فراوان و شدیدی به پیامبر ﷺ داشت و می کوشید پیامبر ﷺ را در خانه خویش مسکن دهد و مخفی نماید. او در جمع مهاجران بود و در جنگ های بدر و احد و بسیاری دیگر، همگام با پیامبر خدا ﷺ شرکت داشت. سرانجام در سال ۵۵ ه. ق، در سن ۸۵ سالگی، در مدینه وفات یافت و «سعد بن ابی وقاص» بر وی نماز خواند و در بقیع دفن شد.<sup>۵</sup>

۱. الکنی واللقاب، ج ۳، ص ۱۷۲؛ رسائل المرتضی، ج ۲، ص ۳۰۲؛ اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۷۸؛ شرح مسند ابی حنیفه، ص ۴۵۶؛ الانساب، ج ۵، ص ۶۳۲؛ المصنف، ج ۳، ص ۲۱۹.

۲. الاحاد والمثنائی، ج ۱، ص ۱۸۶؛ المعارف، ص ۲۴۹؛ انساب الاشراف، ج ۶، ص ۱۴۸.

۳. المعجم الكبير، ج ۹، ص ۶۵؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۳، ص ۱۹۱؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۹۱؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۲۶۰.

۴. شواهد التنزیل، ص ۲۸۰؛ بقیع، ص ۴۷؛ مجله میقات حج، شماره ۶۶، ص ۱۲۲.

۵. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴، ص ۳۲۵ و ۳۲۶؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۶۰؛ الاکمال فی ذکر من له روایة فی مسند الامام احمد من الرجال، ص ۲۰؛ اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۴۴؛ بقیع العرقده، ص ۲۰۹؛ معالم المدرستین، ج ۲، ص ۱۲۹.

۱۱. ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب: برخی نام وی را ابوسفیان می‌دانند، اما بعضی دیگر، نام او را «مغیره» می‌دانند. پسر عموی رسول خدا ﷺ و برادر رضاعی آن حضرت بود. پیامبر ﷺ به او توجه و علاقه زیادی داشت، به گونه‌ای که درباره‌اش فرمود: «ابوسفیان اخی و خیر اهلی وقد أعقبني الله من حمزة اباسفیان بن الحارث»؛ «ابوسفیان، برادر و بهترین عضو خانواده من است. خداوند پس از حمزه، ابوسفیان را به من عنایت کرد».<sup>۱</sup>

در سال ۲۰ ه. ق، ابوسفیان را دیدند که در بقیع قبری حفر و آن را آماده می‌کند. پس از سه روز، در خانه خویش بر بستر قرار گرفت و در دوره خلافت عمر وفات یافت و عمر بر جنازه‌اش نماز گزارد و در بقیع، دفن شد.<sup>۲</sup> برخی نوشته‌اند که او در خانه عقیل دفن شد.<sup>۳</sup>

۱۲. کلثوم بن هدم: او از بزرگان صحابه و بزرگ قبیله «عمرو بن عوف اوسی» است. در ماجرای پیمان عقبه، قبل از هجرت پیامبر خدا ﷺ مسلمان شد. او کسی است که پیامبر ﷺ هنگام ورود به مدینه، در «قبا» به خانه‌اش وارد شد. گفته‌اند پس از اسعد بن زراره، اولین شخص مدفون در بقیع است.<sup>۴</sup>

۱۳. جابر بن عبدالله انصاری: «جابر بن عبدالله انصاری»، از صحابه بلند مرتبه و بزرگوار پیامبر خدا ﷺ و از مخلص‌ترین دوستداران خاندان عصمت و طهارت ﷺ است. مادرش «نسیبه»، دختر «عقبة بن عدی»، کنیه‌اش ابوعبدالله و یا ابوعبدالرحمان است. او در سال دوم، بعد از عقبه نخستین، با پدر خویش در عقبه حضور یافت. جابر، شخصیتی بلندآوازه بود که همواره کنار پیامبر ﷺ بود و پس از رحلت آن حضرت تا

۱. المعارف، ج ۲، ص ۱۲۸.

۲. الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۵۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۵۴؛ المنتخب من ذیل المذیل، ص ۱۱.

۳. الدرجات الرفیعة، ص ۱۶۶؛ بقیع الغرقد، ص ۲۱۳.

۴. سبل الهدی والرشاد، ج ۱۲، ص ۵۳؛ بقیع الغرقد، ص ۲۶۸ و ۲۶۹.

زمان امام باقر علیه السلام حیات داشت. او همان کسی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با او به امام باقر علیه السلام سلام می‌رساند: «إن رسول الله صلی الله علیه و آله قال لي يوماً يا جابر اذا ادركت ولدي الباقر فأقرئه مني السلام فإنه سمی وأشبه الناس بي»<sup>۱</sup>.

وی در سال ۷۷ هـ. ق در سن ۹۴ سالگی وفات یافت و ابان بن عثمان، امیر مدینه بر جنازه‌اش نماز گزارد.<sup>۲</sup> جابر در بقیع دفن شد و قبر پاکش، طبق نقل‌های تاریخی، در ضلع شرقی بقیع است، ولی حوادث و ماجراهای فراوانی، سبب ناپیدایی قبر آن بزرگوار شد.<sup>۳</sup>

۱۴. شماس بن عثمان: از قبیله «بنی مخزوم» و فرزند «عثمان بن شریذ» است. از معاریف مکه و از اشراف بلندآوازه این شهر بود که در دوران جاهلیت، به رسم آنان می‌زیست. رسالت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله باعث تحول عجیبی در روحیه وی شد. پس از آزار زیاد از سوی قریش، به حبشه مهاجرت کرد. در ردیف اصحاب «صفه» بود و سپس در منزل «مبشر بن عبدمنذر» ساکن شد. همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و أخذ شرکت کرد.<sup>۴</sup> در جنگ احد، جراحات بسیار برداشت و به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه منتقل شد و پس از مدتی به شهادت رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه وی نماز خواند و در بقیع دفن شد.<sup>۵</sup>

۱۵. ابوقتاده انصاری: نام وی «حارث» و بنابر قولی «نعمان» و کنیه‌اش «ابوقتاده» است. او فرزند «ربیع بن بلدّمه انصاری» است و مادرش «کبشه» دختر «مظهربن حزام» می‌باشد. او در زمره اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و از دلاوران کم‌نظیر و از برترین یاران ایشان است که به همین سبب «فارس رسول الله صلی الله علیه و آله» لقب گرفت. ابوقتاده در تمام غزوه‌ها و

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۱۸۶.

۲. اسد الغابه، ج ۱۰، ص ۲۵۷.

۳. میقات حج، شماره ۶۷، ص ۶۹؛ بقیع، ص ۴۵.

۴. شهداء الاسلام فی عصر الرسالة، ص ۸۸.

۵. الاصابه، ج ۲، ص ۲۸۹.

جنگ‌های صدر اسلام همراه پیامبر ﷺ بود، اما درباره حضور وی در جنگ بدر، نظر واحدی وجود ندارد؛ برخی او را از بدریون می‌دانند و جمعی دیگر بر این باورند که از جنگ احد به بعد، شرکت داشت.<sup>۱</sup> او همچنین در تمام جنگ‌های حضرت علی علیه السلام حضور داشته و از اصحاب نزدیک حضرت بود.<sup>۲</sup> در زمان خلافت علی علیه السلام خالد بن عاص بن هاشم بن مغیره مخزومی که از طرف عثمان، والی مکه بود، عزل شد و «ابوقتاده انصاری»، والی شد. به جهت علاقه به امام علی علیه السلام از مکه راهی کوفه شد و تا پایان عمر در آنجا بود.<sup>۳</sup> پس از دوره خلافت امیرمؤمنان علیه السلام و در دوره امامت امام حسن مجتبی علیه السلام، در سال ۴۸ یا ۵۰ ه. ق در مدینه از دنیا رفت و در بقیع دفن شد.<sup>۴</sup>

۱۶. قیس بن سعد بن عباده خزرجی: کنیه اش ابو عبدالله و از صحابه مدنی پیامبر ﷺ است. زمان ولادتش را اندکی پیش از ظهور اسلام نوشته‌اند. در سن ۱۲ سالگی به پیامبر خدا ﷺ گروید و اسلام آورد. طبق نقل ابن اثیر، در واقعه غدیر حضور داشت و با توجه به ایمان عمیقی که به پیامبر ﷺ و بیانات آن حضرت داشت، یکی از دوازده نفری است که با ابوبکر رویارو شد و در اثبات فضیلت و حقانیت امام علی علیه السلام، دفاعیه‌های فراوانی بیان کرد. امام علیه السلام او و همراهانش را به آرامش دعوت کرد. قیس بن سعد در فتح مصر شرکت کرد و مدتی در همان جا ساکن شد. در ماجرای اعتراض و شورش مردم مدینه علیه عثمان و قتل وی و خلافت امیرمؤمنان علیه السلام به مدینه بازگشت و در آغاز امامت امام حسین علیه السلام در سال ۶۱ ه. ق در مدینه درگذشت و در بقیع دفن شد.<sup>۵</sup>

۱. الاصابة، ج ۷، ص ۲۳۷.

۲. الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۱۶۲.

۳. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۸۸ و ۸۹.

۴. اسد الغابه، ج ۱، ص ۱۲۰.

۵. اسد الغابه، ج ۱، ص ۱۲۰؛ پیغمبر و یاران، ج ۴، ص ۲۳۲.

۱۷. ابورافع: در نام وی اختلاف است؛ برخی او را «طالب» و برخی «حزیمه» خوانده‌اند. خاندانش از سابقان و پیشگامان اسلام‌اند. خاندان ابورافع از خانواده‌های برجسته شیعه هستند که به نام وی؛ یعنی «آل ابی‌رافع» شهرت دارند. در همان روزهای نخستین رسالت، اسلام آورد. دو بار هجرت کرد: بار اول به حبشه و سپس به مدینه. در تمام جنگ‌ها در کنار پیامبر ﷺ بود. روزی که (۱۵ شعبان) پیامبر ﷺ در مسجد قبلتین در حال نماز ظهر، مأمور به تغییر قبله شد، ابورافع در کنار آن حضرت حضور داشت و بر دو قبله نماز گزارد. بعد از رحلت پیامبر خدا ﷺ ملازم امام علی علیه السلام بود و همراه آن حضرت به کوفه رفت و خزانه‌دار کوفه شد.<sup>۱</sup> بعد از شهادت امام علی علیه السلام با امام حسن علیه السلام به مدینه بازگشت. ابورافع از نخستین دانشمندان شیعه محسوب می‌شود که کتاب «السنن والاحکام والقضایا» را تألیف نمود. دو فرزند او عبدالله و علی نیز از اصحاب امام علی علیه السلام بودند.<sup>۲</sup> به نوشته «فاکهی»، او در سال ۵۸ ه. ق از دنیا رفت و در قبرستان بقیع دفن شد.<sup>۳</sup>

۱۸. جبلة بن عمرو انصاری (ساعدی): او از یاران بزرگ و بافضیلت پیامبر ﷺ و از فقهای صحابه است.<sup>۴</sup> در کنار پیامبر ﷺ در جنگ‌های فراوان، از جمله بدر و احد و خندق حضور داشت. پس از رحلت پیامبر ﷺ، به امام علی علیه السلام پیوست و با آن حضرت به کوفه رفت و در نبردهای جمل، صفین و نهروان حضور یافت.<sup>۵</sup> با توجه به اعتقاد شدید به حقانیت علی علیه السلام در برابر خلفا، موضع تندی داشت. برای مثال، در برابر عثمان

۱. فروغ ابدیت، آیت‌الله سبحانی، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲. کتاب ابورافع مولی رسول الله ﷺ، ص ۶۴.

۳. وفيات الاعیان، ج ۱۳، ص ۸۶.

۴. اسد الغابة، ج ۵، ص ۱۸۷.

۵. شخصیت‌های اسلامی شیعه، آیت‌الله سبحانی، ص ۱۰۷.

به موضع‌گیری‌های صریحی پرداخت.<sup>۱</sup> «جبله» در سال ۳۸ هـ. ق درگذشت. مسلمانان زیادی بر جنازه‌اش نماز گزارند و در بقیع دفن شد.<sup>۲</sup>

۱۹. حاطب بن ابویلتعه خالفی لخمی: مشهور آن است که چون «حطب» (هیزم) جمع می‌کرد، «حاطب» بر نام اصلی وی غالب شده است. او اهل یمن است و به مکه آمد و هم‌پیمان «زبیر بن عوام» شد. پس از آنکه پیامبر ﷺ به رسالت مبعوث شد، در کنار کوه «ابوقبیس»، حضرت را ملاقات کرد و به وی ایمان آورد. در جنگ بدر و «حنین» شرکت داشت و روایاتی هم در فضیلت وی از پیامبر ﷺ نقل شده است.<sup>۳</sup> از کارهای مهم و با ارزش حاطب، بردن نامه پیامبر ﷺ به «مقوقس»، پادشاه مصر است.<sup>۴</sup> او خلافت دو خلیفه اول را درک کرد و در سال ۳۰ هـ. ق در دوره عثمان، وفات یافت. عثمان بر جنازه او نماز خواند. سپس در «حشّ کوكب»، منطقه‌ای در وسط قبرستان بقیع، دفن شد.<sup>۵</sup>

۲۰. حکیم بن حزام بن خویلد: پسر برادر ام‌المؤمنین خدیجه رضی الله عنها است که در سال ۵۴ هـ. ق فوت کرد.<sup>۶</sup> او سیزده سال پیش از عام‌الفیل به دنیا آمد. در فتح مکه، مسلمان شد و در جنگ حنین، همراه پیامبر ﷺ شرکت کرد. به جهت تأثیر مهم او در این جنگ، پیامبر ﷺ صد شتر به او بخشید. حکیم بن حزام، مردی سخاوتمند، بخشنده و دارای طبع عالی بود. پس از رحلت پیامبر خدا ﷺ منزوی شد، ولی چنانکه در «اسدالغابه» هم آمده است، پس از روی کار آمدن علی رضی الله عنه جانب آن حضرت را گرفت.<sup>۷</sup>

۱. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۱۴.

۲. الاستیعاب، ج ۶، ص ۱۹۲.

۳. پیغمبر و یاران، ج ۲، ص ۲۰۷.

۴. الفصول المهمة، سید عبدالحسین شرف‌الدین، ص ۸۲.

۵. الامتل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۲، ص ۵۴۰.

۶. بقیع، ص ۴۵.

۷. مقتنیات الدرر وملتقطات الشرر، ج ۱، ص ۲۳۱؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۱۸۸.

۲۱. قتادة بن نعمان: او برادر ابوسعید خدری از طرف مادر و از طایفه «خزرج» است. اهل مدینه و از انصار است. در عقبه، خدمت پیامبر ﷺ رسید و اسلام آورد و در جنگ‌های زیادی شرکت کرد. در فتح مکه، همراه پیامبر ﷺ بود و پرچم بنی ظفر را در دست داشت و در میان یاران آن حضرت، از تیراندازان معروف بود. در جنگ احد، تیری به چشمش اصابت کرد که به عنایت خدا و کرامت رسول خدا ﷺ پس از بیرون آمدن از حذقه، چشمش بهبود یافت و قدرت بینایی‌اش از گذشته بهتر شد.<sup>۱</sup> او در سال ۲۳ ه. ق، در سن ۶۵ سالگی از دنیا رفت. عمر بن خطاب بر جنازه او نماز گزارد و در بقیع مدفون شد.<sup>۲</sup>

۲۲. مالک بن قیس، ابوخیثمه: او از طایفه خزرج و اهل مدینه بود که به کنیه‌اش شهرت دارد. از یاران باوفای پیامبر ﷺ است. در جنگ‌های احد، خندق، حنین، ذات السلاسل، ذات العشیره و حمراء الاسد شرکت کرد و جراحاتی برداشت.<sup>۳</sup> ابوخیثمه در سال ۲۵ ه. ق، اواخر خلافت عمر، از دنیا رفت و در بقیع دفن شد.<sup>۴</sup>

۲۳. ابی بن کعب، سید القراء: او از فضلا و فقهای صحابه پیامبر ﷺ و کاتب وحی بود. او در حفظ، قرائت و تفسیر قرآن، استاد بود. ابی بن کعب از دوازده نفری است که در «عقبه» با پیامبر ﷺ بیعت کرد و در تمهید زمینه ورود آن حضرت به مدینه، بسیار تلاش کرد. پیامبر اسلام ﷺ در حق ابی بن کعب فرمود: «یا اَبی ما زَلتْ مؤیداً بروح القدس»؛ «ای ابی! تو همواره مؤید به روح القدس هستی».<sup>۵</sup>

از برخی روایات استفاده می‌شود که قرائت ابی بن کعب، نزد امامان شیعه، قرائتی

۱. پیغمبر و یاران، ج ۵، ص ۱۸۹؛ مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

۲. بقیع، ص ۴۷.

۳. اسد الغابة، ج ۴، ص ۳۱۷؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۱۷۷.

۴. میقات حج، شماره ۶۸، ص ۹۴.

۵. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۴.

مطلوب و شاخص است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إنا اهل بیت نقرأ القرآن كما قرأه ابي بن كعب»؛ «ما خاندانی هستیم که قرآن را مانند ابی بن کعب، قرائت می‌کنیم».<sup>۱</sup> در ماجرای خلافت، ابی بن کعب خطبه‌ای طولانی و بلیغ در شأن امام علی علیه السلام خواند و مخالفت خود را با خلافت خلیفه اول آشکار کرد.<sup>۲</sup> درباره تاریخ وفات وی، اختلاف نظر است (بین ۱۹ تا ۳۶ ه. ق.)، اما بزرگان شیعه سال ۳۶ ه. ق را برگزیدند.<sup>۳</sup>

۲۴. ابوالهیثم بن تیهان اشهلی: نام وی مالک است، اما به کنیه‌اش شهرت دارد و از یاران و صحابه صادق پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله است. او از انصار و نقیب و بزرگ مدینه بود. در عقبه اول و دوم به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و در جنگ بدر، شرکت کرد.<sup>۴</sup> همراه ابی بن کعب، یکی از دوازده نفری است که پس از «سقیفه»، به حاکمیت ابوبکر اعتراض و از حق علی علیه السلام دفاع کردند.<sup>۵</sup> در تاریخ وفات یا شهادت ابن تیهان، اختلاف زیادی است. «حاکم نیشابوری» آن را در سال ۲۰ ه. ق، در دوران خلافت عمر ثبت کرده، اما بیشتر منابع، به شهادت او در جنگ صفین اشاره دارد.<sup>۶</sup>

۲۵. نوفل بن حارث بن عبدالمطلب: پسر عموی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. نوفل از افراد بنی‌هاشم بزرگ‌تر و هم‌سن عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله بود.<sup>۷</sup> وی به اجبار مشرکان، در جنگ بدر شرکت کرد و اسیر مسلمانان شد. بعد از پرداخت فدیة (هزار نیزه) آزاد و مسلمان شد. در جنگ‌های بعد، کمک مالی به رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد. او به مدینه هجرت

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۲۵.

۲. همان، ج ۲۸، ص ۲۲۴.

۳. مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۲۰۷.

۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۸۵.

۵. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۲۸.

۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۸۵.

۷. الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۰۸؛ بقیع، ص ۴۷.



کرد و پیامبر در نزدیکی مسجد، خانه‌ای به وی و عباس عمویش بخشید که با یک دیوار از هم جدا می‌شد. او در سال ۱۵ ه. ق در دوره خلافت عمر، وفات یافت و عمر بر جنازه‌اش نماز گزارد.<sup>۱</sup>

۲۶. برآء بن معرور: از قبیله خزرج و از صحابه مدنی و انصاری است. او از پیروان راستین و باوفای پیامبر خدا ﷺ است. در پیمان عقبه، در میان جمعیت هفتاد نفری اهل یثرب حضور داشت که در تاریکی شب، هنگام خفتن کفار قریش، با عشق و شوق، دست بیعت به رسول خدا ﷺ داد. پیامبر ﷺ او را نقیب قومش در مدینه برگزید. علامه مجلسی، مرگ او را در چهار ماه نخست هجرت دانسته است. رسول خدا ﷺ و علی یار ﷺ بر جنازه وی نماز گزاردند و مقام او را بزرگ داشتند.<sup>۲</sup>

۲۷. بشر بن برآء بن معرور: وی از بزرگان و اشراف مدینه بود و در «عقبه» با پیامبر ﷺ بیعت کرد. او در بدر و أحد و سایر غزوات پیامبر ﷺ شرکت داشت.<sup>۳</sup> پیامبر ﷺ به او علاقه داشت و در هنگام نماز و در زمان غذا خوردن، در خیبر، با پیامبر ﷺ بود. در جریان توطئه زن یهودی برای کشتن رسول خدا ﷺ، از گوشت مسموم، خورد و بر اثر مسمومیت، از دنیا رفت.<sup>۴</sup> رسول خدا ﷺ بر جنازه «بشر» نماز گزارد و وی را در بقیع دفن کرد.<sup>۵</sup>

۱. البداية والنهاية، ج ۷، ص ۷۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۴۶؛ المنتخب من ذیل المذیل، ص ۱۰؛ سبیل

الهدی والرشاد، ج ۱۱، ص ۱۳۷؛ الدرجات الرفیعة، ص ۱۶۷.

۲. العدد القویة، صص ۶۹ و ۷۰؛ الغدیر، ج ۷، ص ۲۶۴؛ الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۸۸؛ نفس الرحمن فی فضائل سلمان، ص ۷۵؛ بقیع، ص ۴۷.

۳. هجرة النبی الی المدینة، ص ۱۰۰.

۴. اهم مناظرات الشیعة، ص ۴۸۷.

۵. بعض ما جاء فی غزوة خیبر، ص ۱۲۷.

۲۸. کعب بن عمرو سلمی: معروف به «ابی‌یسر» و از اصحاب باوفای پیامبر خدا ﷺ است. در یثرب، به دست «مصعب بن عمیر» مسلمان شد و در عقبه دوم حضور یافت. همچنین در «بیعت رضوان» و در جنگ بدر حضور داشت و در زمره اصحاب شجاع رسول خدا ﷺ بود.<sup>۱</sup> در سال ۵۵ هـ. ق، در مدینه، وفات یافت و در بقیع، دفن شد.<sup>۲</sup>

۲۹. سهل بن سعد ساعدی خزرجی: مکنی به ابوالعباس و از بزرگان صحابه رسول خدا ﷺ است که مدتی خادم ایشان بود. در عقبه دوم حضور داشت و در جنگ‌های بدر و احد شرکت کرد و در غدیر خم شاهد ماجرای نصب امام علی علیه السلام به امامت، بود. او یکی از راویان خاندان رسالت است. در نقل بسیاری از روایات، خود ناظر، شاهد و شنونده از پیامبر ﷺ است. عمری طولانی داشت و شاهد و ناظر کاروان اسیران کربلا و سرهای به نیزه کشیده آنان بود. در خبر است وقتی که سهل، به بیت المقدس می‌رفت، در شام این ماجرا را دید.<sup>۳</sup> او از حضرت زهرا علیها السلام نیز روایت نقل نموده است.<sup>۴</sup>

«حجاج بن یوسف ثقفی»، زمانی که مدینه را تصرف کرد، دستور داد تا سهل بن سعد ساعدی و جابر بن عبدالله انصاری را احضار کنند و به آنان گفت که از علی علیه السلام بیزاری بجویند، اما آنان نپذیرفتند و لذا «حجاج» دستور داد بر دست و گردن آنها آهن سرخ شده قرار دادند.<sup>۵</sup> او با کاروان اسیران کربلا، از شام به مدینه بازگشت و در سال ۹۱ هـ. ق از دنیا رفت و در بقیع دفن شد.<sup>۶</sup> برخی وفات وی را در سال ۸۸ هـ. ق و در سن

۱. الغدیر، ج ۹، صص ۲۶۷ و ۲۶۸.

۲. تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۳۷؛ بقیع، ص ۴۶.

۳. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۷.

۴. المهدی المنتظر، حسین الشاکری، ج ۱، ص ۱۸۵.

۵. تدوین السنة الشریفة، محمد رضا جلالی، ص ۴۷۸.

۶. الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۲۹؛ مروج الذهب ومعادن الجواهر، ج ۲، ص ۲۰۷.

صد سالگی نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

۳۰. ابو عبس عبدالرحمن بن جبر: در نبرد بدر و احد شرکت داشت و هر روز به حضور پیامبر ﷺ می‌رسید تا از حال آن حضرت آگاه باشد. مقید به شرکت در نماز جمعه و جماعات بود و از طرف پیامبر ﷺ مأمور شکستن بت‌های بنی حارثه شد. همچنین در سریه قتل «کعب بن اشرف» شرکت کرد که رسول خدا ﷺ و اصحابش را هجو می‌کرد. او به نوشتن عربی مسلط بود و با خطی خوش، می‌نوشت. در موارد فراوانی به امر پیامبر ﷺ متون مهم را برای وی نوشت. از او فرزندان زیادی در مدینه منوره باقی مانده است.<sup>۲</sup> او تا خلافت عثمان در مدینه روزگار می‌گذراند و در سال ۳۴ هـ. ق. در سن ۷۰ سالگی وفات یافت و در بقیع دفن شد.<sup>۳</sup>

\*\*\*

در اینجا به گروه دوم از صحابه اشاره می‌شود که چنان رابطه‌ای با اهل بیت ﷺ نداشتند.

۳۱. جبیر بن مطعم: او در ماجرای فتح مکه، در زمره «طُلُقا» بود که با لطف پیامبر ﷺ آزاد شد. سپس اسلام آورد و به احکام آن پای‌بند شد.<sup>۴</sup> عالم به انساب عرب بود<sup>۵</sup> و پیامبر ﷺ از باب تألیف قلوب، صد شتر به وی هدیه داد.<sup>۶</sup> جبیر بن مطعم از بزرگان قریش بود و پس از فوت پیامبر ﷺ در مدینه ماند؛ تا اینکه در اواخر روزگار حاکمیت معاویه

۱. بقیع، ص ۴۷.

۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۴۰۵؛ عیون الاثر فی فنون المغازی، ج ۱، ص ۳۴۸.

۳. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۴۵۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۱۸۹.

۴. اسد الغابة، ج ۱، صص ۲۸۷ و ۳۲۳.

۵. شرح احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۹۰.

۶. اسد الغابة، ج ۱، ص ۳۲۴.

وفات یافت و در بقیع دفن شد. برخی وفات وی را در سال ۸۰ یا ۸۵ ه.ق می‌دانند.<sup>۱</sup>

۳۲. صهیب بن سنان رومی: کنیه‌اش ابویحیی و از صحابه مشهور رسول خدا ﷺ است. او پس از وفات پیامبر ﷺ از هواداران و علاقه‌مندان خلیفه دوم بود.<sup>۲</sup> او در مدینه و به سال ۳۸ ه.ق در زمان خلافت امام علی علیه السلام از دنیا رفت و در بقیع دفن شد<sup>۳</sup> و در زمان وفات، بیش از هفتاد سال سن داشت.<sup>۴</sup>

۳۳. عبدالله بن سلام: او یهودی بود و پس از شنیدن آوازه پیامبر خدا ﷺ رهسپار مکه شد و پس از دیدار رسول خدا ﷺ، اسلام آورد.<sup>۵</sup> پس از هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه، کنار حضرت بود و در بسیاری از نبردها حضور داشت. «عبدالله بن سلام» روایات زیادی از رسول خدا ﷺ نقل کرده است.<sup>۶</sup> او نیز مانند «کعب الاحبار»، متهم است که اقوال ضعیف و اسرائیلیات را وارد اسلام کرده و از جعل حدیث ابایی نداشته است. در سال ۴۳ ه.ق از دنیا رفت و در بقیع دفن شد.

۳۴. ابوهریره دوسی: نام و نسب وی به اختلاف در منابع ذکر شده است. پدرش را «عثمان بن عبدالله بن زهران بن کعب» می‌دانند.<sup>۷</sup> او در دو سال آخر عمر شریف پیامبر ﷺ، اسلام آورد. در سال هشتم هجری قمری به مدینه هجرت کرد و در خیبر، پس از فتح قلعه و تقسیم غنائم جنگی، مسلمان شد.<sup>۸</sup> هنگام مسلمان شدن سی سال

۱. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۲۶.

۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۹۲.

۳. الثقات، ج ۳، ص ۱۹۳؛ مشاهیر علماء الامصار، ص ۴۱.

۴. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۹۸؛ الاحاد والمثنائی، ج ۱، ص ۲۱۷؛ المعارف، ص ۲۶۵.

۵. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۳۲۶.

۶. تاریخ الصحابة، ص ۲۸۰؛ الثقات، ج ۳، ص ۳۱۸.

۷. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۷۰.

۸. همان، ج ۴، ص ۱۷۷۱؛ پیغمبر و یاران، ج ۱، ص ۱۵۶.

داشت و در شنیدن سخنان پیامبر ﷺ حریص بود. در «صفه» زندگی می‌کرد و در خوردن غذا و سیرکردن خود جدیت داشت و در این مورد، مشهور بود.<sup>۱</sup> با اینکه در سال هشتم هجری مسلمان شد و کمتر از دو سال در خدمت پیامبر ﷺ بود، اما به حدی روایت از ایشان نقل کرده است که در معرض اتهام است و بسیاری از مورخان و اهل حدیث در صحت روایات او تردید دارند و خلیفه دوم او را از نقل خیر منع کرد.<sup>۲</sup> در زمان خلافت عمر، مدتی حاکم بحرین و سپس به دلایلی عزل شد.<sup>۳</sup> گرچه روایات زیادی در فضائل علی رضی الله عنه نقل کرد، به معاویه پیوست.<sup>۴</sup> او قصری در «عقیق» داشت که در همان قصر به سال ۵۹ ه. ق. و در سن ۷۸ سالگی درگذشت و فرزندانش او را از قصرش به مدینه حمل و در بقیع دفن کردند.<sup>۵</sup>

۳۵. عبدالرحمن بن عوف زهری: نسبش با چند واسطه به مرة بن کعب می‌رسد. مادرش «ام‌کلثوم» دختر «عتبه» است. او هشتمین فردی است که اسلام آورد و ۲۱ سال پیش از بعثت به دنیا آمد. نامش در جاهلیت «عبد عمرو» بود که پیامبر آن را به «عبدالرحمان» تغییر داد. او پسر عموی سعد بن ابی وقاص و داماد عثمان و از نخستین مهاجران مدینه است. در مهاجرت به حبشه نیز حضور داشت. در نبردهای بدر و احد از خود رشادت نشان داد. او جزو شورای شش نفری تعیین خلیفه، از سوی عمر بود. از مکنات مالی زیادی برخوردار بود. در زمان عثمان بیمار شد و عثمان به عیادتش رفت و در سال ۳۲ ه. ق. در مدینه درگذشت. عثمان بر جنازه‌اش نماز خواند و در بقیع دفن شد.<sup>۶</sup>

۱. الاصابة فی تمییز الصحابة، ج ۳، ص ۳۷؛ شرح نهج البلاغة، ج ۴، ص ۳۰۲.

۲. ابوهریره، عبدالحسین شرف‌الدین، ص ۸۴؛ پیغمبر و یاران، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳. شیخ المصیره ابوهریره، محمود ابوریه، صص ۲۰۰ و ۲۰۱.

۴. همان.

۵. ابوهریره، صص ۲۱۰ و ۲۱۱؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۹.

۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۳۰۸؛ البداية والنهاية، ج ۷، ص ۱۸۴؛ تحفة الاحوذی، ج ۱، ص ۱۷۰؛ بقیع

الغرق، ص ۲۵۲؛ الاصابة، ج ۴، ص ۲۹۳؛ السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۱۳.

۳۶. مغیره بن شعبه ابن ابی‌عامر بن مسعود ثقفی: مکنی به ابوعمیس و یا ابو عبدالله، در شهر طائف به دنیا آمد و پسر برادر «عروة بن مسعود ثقفی» است. در سال پنجم هجری مسلمان شد و می‌گویند اسلامش واقعی نبوده است.<sup>۱</sup> او از جمله تحریک‌کنندگان خلیفه اول و دوم در ایجاد جریان سقیفه است.<sup>۲</sup> «مغیره» با حمله‌کنندگان به خانه علی و فاطمه علیها السلام همراه بود. امام حسن مجتبی علیه السلام خطاب به مغیره می‌فرماید: «انت ضربت فاطمه بنت رسول الله حتی آدمیتها»؛ «تو بر پیکر فاطمه علیها السلام ضربت وارد کردی و با آن ضربه او را بی‌هوش کردی».<sup>۳</sup>

او مدتی طولانی حاکم شهرهای بصره و کوفه در زمان خلافت خلیفه اول و دوم بود. از جمله کارهای مغیره، طرح و جانداختن موضوع ولایت‌عهدی یزید بود.<sup>۴</sup> سرانجام در سال ۴۹ هـ. ق پس از فراگیر شدن طاعون از کوفه فرار کرد و به مدینه آمد، اما گرفتار طاعون شد و سپس مُرد و طبق نقل برخی از مورخان در بقیع دفن شد.<sup>۵</sup>

۳۷. سعد بن ابی‌وقاص: او از طایفه قریش و قبیله بنی‌زهره است. از اسلام‌آورندگان نخستین است که در مکه و «تحت الشجرة» به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد.<sup>۶</sup> پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، سعد نیز به مدینه آمد. در بیشتر جنگ‌ها و غزوات رسول خدا صلی الله علیه و آله شرکت داشت و به سوارکار عرب مشهور بود و یکی از راویان احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله است.<sup>۷</sup> در حدیثی منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله که در واقع اهل سنت آن را نقل

۱. الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۴.

۲. پیغمبر و یاران، ج ۵، ص ۲۷۲.

۳. الهجوم علی بیت فاطمة، عبدالزهراء مهدی، ص ۱۱۸.

۴. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۸۶.

۵. قاموس الرجال، ج ۹، ص ۱۱۰؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۲۱۲.

۶. رسائل الشیخ الطوسی، ص ۱۲۹.

۷. شرح المهذب، ج ۶، ص ۳۵۹؛ التلخیص التجبیر، ص ۳۹۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۳۵.

نموده‌اند، سعد بن ابی وقاص جزو ده نفری است که به آنها بشارت بهشت داده‌اند.<sup>۱</sup> او در فتح قادسیه، فرمانده لشکر مسلمانان بود و با رشادت تمام قادسیه را فتح کرد. در شورای شش نفره انتخاب خلیفه نیز از سوی عمر بن خطاب برگزیده شد و عثمان را به خلافت برگزید. او پس از بیعت با امام علی علیه السلام تخلف کرد و در زمره مخالفان آن حضرت قرار گرفت.<sup>۲</sup> سعد بن ابی وقاص پس از فتح قادسیه، شهر کوفه را تأسیس کرد و فرزند وی به نام «عمر بن سعد»، فرمانده لشکر «عبیدالله بن زیاد» در کربلا و از کسانی بود که در شکل‌گیری واقعه عاشورا و کشتن امام حسین علیه السلام نقش اساسی داشت. در محل دفن سعد، اختلاف است، اما به استناد مطلبی، او موضع قبر خود را در بقیع حفر کرد و علامت گذاشت و پس از فوت در همانجا دفن شد.<sup>۳</sup> مروان بن حکم بر جنازه‌اش نماز گزارد و قبر وی در بیست متری شرق قبر مالک بن انس و در سمت شمال شرقی خانه عقیل و مقبره وی قرار دارد.<sup>۴</sup>

۳۸. عبدالله بن امّ مکتوم: در مکه به دنیا آمد و نام پدرش «عمرو» است. او همراه با کاروان مهاجران، به مدینه هجرت کرد و همواره صداقت و ارادت خود را، به پیامبر صلی الله علیه و آله حفظ کرد. او دومین مؤذن رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بلال بود.<sup>۵</sup> با اینکه نابینا بود، به جهت زهد و تقوایش پیامبر صلی الله علیه و آله به او اجازه و دستور دادند تا اقامه جماعت کند. آیات سوره عبس درباره «ابن امّ مکتوم» نازل شده است: ﴿عَبَسَ وَ تَوَلَّىٰ ۖ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ

۱. شرح المهدب، ج ۳، ص ۴۰۸؛ المجموع، محیی‌الدین نووی، ص ۶۸.

۲. وقعة صفین، ص ۵۲۸.

۳. اسد الغابة، ج ۲، ص ۲۹۳.

۴. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۱۱؛ کشف اللثام، ج ۱، ص ۲۰۷.

۵. میقات حج، شماره ۷۲، ص ۱۰۱.

۶. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۷۸.

﴿ وَمَا يَدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكِّي ﴾ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ اللَّهُ كَرِي ﴿ (عبس: ۱ - ۴) او حافظه‌ای قوی و قرائتی زیبا داشت و قرآن را از حفظ بود و به افراد دیگر می‌آموخت.<sup>۱</sup> بعد از رحلت رسول خدا ﷺ تا سال ۲۳ ه. ق زندگی کرد. در جنگ قادسیه حضور داشت و اذان می‌گفت. در زمان عمر از دنیا رفت و خلیفه بر جنازه‌اش نماز گزارد و در بقیع دفن شد.<sup>۲</sup>

۳۹. قیس بن عاصم منقری: مکنی به «ابوعلی یا ابوطلحه»، در سال نهم هجری با جمعی از بنی تمیم خدمت پیامبر ﷺ رسید و اسلام آورد و حضرت او را «سید اهل الویر»؛ یعنی آقای انسان‌های حلیم و بردبار خواند.<sup>۳</sup> برخی اسلام او را در سال هشتم و قبل از فتح مکه نوشته‌اند. در جنگ حنین و طائف با پیامبر ﷺ بود.<sup>۴</sup> در سال نهم هجری از سوی پیامبر ﷺ به دربار «هرقل» رفت و او را به اسلام دعوت کرد. وی در دوران خلافت عمر وفات یافت و خلیفه دوم با گروهی از مسلمانان بر وی نماز گزاردند و در بقیع دفن کردند.<sup>۵</sup>

۴۰. عبدالله بن عتیک: او مردی انصاری از طایفه بنی سلمه و اهل مدینه بود. برای دیدن پیامبر ﷺ به مکه رفت و آن حضرت را در «عقبه» ملاقات کرد و اسلام آورد. سریه‌ای از سریه‌ها در تاریخ به نام «عقبه» معروف است که در آن نقش اساسی داشت و «ابن ابی‌الحقیق» را کشت.<sup>۶</sup> او از پیامبر ﷺ روایات زیادی نقل کرده است و بنابر بعضی نقل‌ها ملازم و همراه پیامبر ﷺ بود.<sup>۷</sup> برخی از مورخان مانند

۱. کشف الفهارس، ص ۱۳۲.

۲. الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۱۴.

۳. الاستیعاب، ج ۱، ص ۴۰۰.

۴. معنی معجزات الانبیاء، ص ۲۳۹.

۵. اسد الغابة، ج ۴، ص ۳۲۳.

۶. اخبار المدینة المنورة، ج ۲، ص ۴۶۳.

۷. موارد الظمان، ص ۳۱۹؛ تفسیر القرطبی، ج ۱۲، ص ۸۹.



«زرکلی»، شهادت او را در یمامه نوشته‌اند. اما طبری و دیگران معتقدند در مدینه وفات کرد و عمر بر جنازه‌اش نماز گزارد و در بقیع دفن شد.<sup>۱</sup>

۴۱. سعید بن زید: او از نخستین مسلمانان مکه است. پیش از خلیفه دوم؛ عمر بن خطاب، ایمان آورد و همسر فاطمه خواهر «عمر» است. او همراه پیامبر ﷺ در جنگ‌های زیادی شرکت داشت. پس از رحلت آن حضرت، همراه خلفا در جنگ‌های مختلفی حضور داشت. در منابع اهل سنت، جایگاه رفیعی دارد و از وی با عنوان «مستجاب الدعوه» یاد شده است و او را جزو «عشره مبشره» می‌دانند. «سعید بن زید» در «وادی عقیق» ساکن بود و در همانجا در سال ۵۱ هـ. ق فوت کرد. او را به مدینه آوردند و در بقیع به خاک سپردند و سعد بن ابی وقاص بر جنازه‌اش نماز گزارد.<sup>۲</sup>

۴۲. سلمة بن اکوع: او در «بیعت رضوان» با پیامبر ﷺ بیعت کرد و فردی شجاع بود. همراه پیامبر ﷺ در جنگ‌های مختلفی شرکت داشت و پس از پیامبر ﷺ در کنار خلفای سه‌گانه وفاداری خود را ثابت کرد و در سال ۳۲ هـ. ق وفات یافت و در بقیع دفن شد.<sup>۳</sup>

۴۳. حکم بن ابی العاص: فرزند «امیه بن عبدشمس» از تیره بنی‌امیه، عموی عثمان ابن عفان خلیفه سوم است که پیامبر اکرم ﷺ درباره پدر و فرزندانش فرمود: «اذا بلغ بنو ابی العاص ثلاثین رجلاً اتخذوا دین الله ذعلاً و عباد الله حولاً و مال الله دُولاً»؛ «هنگامی که فرزندان ابوالعاص، سی تن شوند، دین خدا را بازیچه، بندگان خدا را برده و مال خدا را در میان خود دست به دست می‌کنند».<sup>۴</sup>

۱. الاعلام، ج ۲، ص ۱۸۴؛ سبل الهدی والرشاد، ص ۹۵؛ تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۳۰۹.

۲. شرح مسند ابی حنیفه، ص ۲۴۷؛ الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۸۰ و ج ۶، ص ۲۸۱؛ بقیع الغرقد، ص ۲۴۰.

۳. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۸۱.

۴. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۶۸.

حکم بن ابی‌العاص، کینه شدیدی از پیامبر ﷺ در دل داشت. او در دوره جاهلیت، همسایه رسول خدا ﷺ بود و از دشمن‌ترین همسایه‌ها و آزار و اذیت‌کننده‌ترین آنها بود.<sup>۱</sup> پیامبر خدا ﷺ درباره «حکم» پیش‌بینی‌هایی کردند که ماحصل آنها چنین است: «به زودی این مرد با کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ مخالفت خواهد کرد و از نسل وی فتنه‌جویانی به دنیا می‌آید که دود فتنه آنان به آسمان می‌رسد».<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ در پی کینه‌توزی‌ها و آزار و اذیت‌های وی، به طائف تبعیدش کردند و فرمودند: «تا زنده‌اند در تبعیدگاه بمانند».<sup>۳</sup> اما عثمان در دوره خلافت خود، او را به مدینه آورد و از اموال مسلمانان بخشش‌های فراوانی به او و فرزندان او کرد.<sup>۴</sup> حکم تا سال ۳۲ هـ. ق زندگی کرد و در پایان همین سال از دنیا رفت. فرزندش «مروان» بر جنازه‌اش نماز گزارد و در بقیع دفن شد.

۴۴. سمرة بن جندب: مکئی به ابوسلیمان، در سال دوم یا سوم هجری مسلمان شد، اما از آغاز، به فرایض بی‌مبالاتی داشت. داستان درخت خرماي او در باغ یک انصاری و نیز تردد بی‌اجازه او در آن باغ و مزاحمت‌هایش برای شخص انصاری در تاریخ ثبت شده است که ناچار رسول خدا ﷺ دستور کندن درخت را صادر فرمود.<sup>۵</sup> او در خلافت خلیفه دوم به فروش خمر می‌پرداخت و به دستور معاویه، آیاتی را که در فضیلت علی علیه السلام آمده بود، در شأن «ابن ملجم» آورد و روایاتی را به پیامبر خدا ﷺ نسبت داد که داستان‌های مفصّلی دارد.<sup>۶</sup> او عمری طولانی داشت و در سال ۵۸ یا ۵۹ هـ. ق درگذشت. برخی محل دفن وی را بصره

۱. کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ص ۲۰۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۶۴؛ الغدیر، ج ۱، ص ۲۰۰.

۳. شفاء الصدور، ص ۲۲۶.

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۹۸.

۵. الايضاح، ص ۵۴۳.

۶. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۱۲۰۷.

نوشته‌اند. اما ابن اثیر معتقد است که در بقیع دفن شد.<sup>۱</sup>  
۴۵. ابوسفیان: نام وی «صخر بن حرب بن عبدشمس» و از بزرگان قریش بود. در سال ۲۰ عام الفیل به دنیا آمد و در سال ۳۲ ه. ق در مدینه درگذشت و در بقیع دفن شد و در زمان مرگ، حدود ۸۸ سال داشت.<sup>۲</sup>

### تابعین، علما و فقها

۱. مالک بن انس (وفات: ۱۷۹ ه. ق)، یکی از ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت و امام مذهب مالکی؛
۲. نافع مدنی معروف به «شیخ القراء» (وفات: ۱۶۹ ه. ق) از قاریان هفتگانه؛
۳. شیخ ابراهیم بن حسن کورانی شهرزوری شافعی (وفات: ۱۱۰۱ ه. ق)؛<sup>۳</sup>
۴. عبدالرحیم بن ابراهیم بن هبة الله جهنی، معروف به «نجم الدین ابن بارزی»، قاضی حماه؛<sup>۴</sup>
۵. شرف الدین ابو عبدالله بن محمد حرانی، معروف به «ابن نجیح» (وفات: ۷۲۳ ه. ق)؛<sup>۵</sup>
۶. ابوالفضل محمد بن ابی بکر مراغی (وفات: ۸۴۳ ه. ق)؛<sup>۶</sup>
۷. شمس الدین ابو عبدالله محمد بن مسلم بن مالک صالحی حنبلی معروف به ابن مسلم؛<sup>۷</sup>

۱. اسد الغابة، ج ۷، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

۲. تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۳، ص ۴۳۷؛ شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۵۳، مروج الذهب ومعادن الجوهر، ج ۱، ص ۴۴۰؛

اخبار الدولة العباسية، ص ۴۸؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۱۹۷.

۳. الاعلام، زرکلی، ج ۱، ص ۳۵.

۴. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۷، ص ۱۰۶.

۵. البداية والنهاية، ج ۱۴، ص ۱۲۷.

۶. الاعلام، ج ۶، ص ۵۸.

۷. البداية والنهاية، ج ۱۴، ص ۱۴۵.

۸. ابوالقاسم تنوخی معری (وفات: ۴۱۹ ه. ق.)<sup>۱</sup>؛
۹. احمد بن زین الدین بن ابراهیم بن صفر بن ابراهیم بن داغر احسائی، معروف به «شیخ احمد احسائی» (وفات: ۱۲۴۱ ه. ق.)<sup>۲</sup>؛
۱۰. احمد خسروشاهی (وفات: ۱۳۲۶ ه. ق.)<sup>۳</sup>؛
۱۱. احمد بن محمد بن احمد بن عبدالغنی دمیاطی مشهور به «بنّاء» (وفات: ۱۱۱۷ ه. ق.)<sup>۴</sup>؛
۱۲. احمد بن محمد بن یونس دجانی بدری حسینی (وفات: ۱۰۷۰ ه. ق.)<sup>۵</sup>؛
۱۳. احمد بن ابی‌الغیث مغلبای حنفی (وفات: ۱۱۳۴ ه. ق.)<sup>۶</sup>؛
۱۴. ایمن امین‌الدین بن محمد<sup>۷</sup>؛
۱۵. سید میرزا حسن بن اسماعیل بن عبدالغفور سبزواری (وفات: ۱۳۳۲ ه. ق.)<sup>۸</sup>؛
۱۶. شیخ حسن بن ملا محمد صالح برغانی (وفات: ۱۲۸۱ ه. ق.)<sup>۹</sup>؛
۱۷. سید حسین بن ابراهیم بن حسین، معروف به سیاه‌پوش حسینی موسوی بهبهانی (وفات: ۱۳۰۰ ه. ق.)<sup>۱۰</sup>؛
۱۸. جعفر بن حسن بن عبدالکریم شافعی برزنجی (وفات: ۱۱۷۷ ه. ق.)<sup>۱۱</sup>؛

---

۱. معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۵۶؛ الاعلام، ج ۵، ص ۲۸۷؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۵۷، ص ۹۰.
۲. الذریعة، ج ۱۳، ص ۳۰۵؛ اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۵۸۹.
۳. الذریعة، ج ۲، ص ۴۸۳؛ اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۲۱.
۴. الاعلام، ج ۱، ص ۲۴۰.
۵. معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۱۷۰.
۶. معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۴۰.
۷. البداية والنهاية، ج ۱۴، ص ۱۹۵.
۸. اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۲۲.
۹. دایرة‌المعارف تشیع، ج ۳، ص ۳۸۵.
۱۰. اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۴۱۳؛ معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۳۰۶.
۱۱. الکنی والالقب، ج ۲، ص ۷۷.

۱۹. امیر چوپان (وفات: ۷۳۸ ه. ق.) و فرزندانش؛  
۲۰. زمرد خاتون دختر امیر جاوولی خواهر ملک دقاق حاکم دمشق (وفات: ۵۵۷ ه. ق.)؛  
۲۱. نورالدین سمهودی مورخ مشهور و صاحب کتاب «وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی» (وفات: ۹۱۱ ه. ق.)؛  
۲۲. ابوشجاع محمد بن حسین روذراوری معروف به «ظهیرالدین» وزیر (وفات: ۴۸۸ ه. ق.)؛  
۲۳. عبدالجلیل براده (وفات: ۱۳۲۶ ه. ق.)؛  
۲۴. شیخ عبدالرسول مرزبانی تبریزی (وفات: ۱۳۹۱ ه. ق.)؛  
۲۵. عبدالغنی بن ابی سعید عمروی دهلوی (وفات: ۱۲۹۶ ه. ق.)؛  
۲۶. عبدالقادر الشلبی طرابلسی (وفات: ۱۳۶۹ ه. ق.)؛  
۲۷. عبدالقادر بن یوسف نقیب حلبی (وفات: ۱۰۶۰ ه. ق.)؛  
۲۸. ابوالحسن علی بن احمد خُریشی فاسی (وفات: ۱۱۴۵ ه. ق.)؛  
۲۹. عبدالوهاب بن هبةالله بن سبیبی قاضی (وفات: ۵۰۴ ه. ق.)؛  
۳۰. فتحالله بن نحاس حلبی مدنی (وفات: ۱۰۵۲ ه. ق.)؛

- 
۱. اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۳۵۶.  
۲. الاعلام، ج ۳، ص ۴۹.  
۳. خلاصه عیقات الانوار، ج ۸، ص ۳۵۹.  
۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۳۰؛ الاعلام، ج ۶، ص ۱۰۰.  
۵. الاعلام، ج ۳، ص ۲۷۵.  
۶. گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۶۶.  
۷. معجم المؤلفین، ج ۵، ص ۲۷۴.  
۸. الاعلام، ج ۴، ص ۳۸.  
۹. هدیه العارفین، ج ۱، ص ۷۶۶.  
۱۰. الاعلام، ج ۴، ص ۴۸.  
۱۱. ذیل تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۴۲.  
۱۲. معجم المطبوعات العربیة، ج ۱، ص ۲۶۵؛ الذریعة، ج ۹، ص ۳۱.

۳۱. محمد بن احمد معروف به الفا هاشم (وفات: ۱۳۲۲ ه. ق.)<sup>۱</sup>؛
۳۲. محمد بن بدرالدین منشی رومی آقحصاری حنفی مفسر (وفات: ۹۸۲ ه. ق.)<sup>۲</sup>؛
۳۳. محمد بن سعدالله حرّانی دمشقی<sup>۳</sup>؛
۳۴. شمس‌الدین محمد بن محمد بن علی حلبی معروف به ابن شمع (وفات: ۸۶۳ ه. ق.)<sup>۴</sup>؛
۳۵. سید محمدتقی طالقانی (وفات: ۱۳۷۶ ه. ق.)<sup>۵</sup>؛
۳۶. محمد عابد بن احمد بن محمد مراد انصاری سندی (وفات: ۱۲۷۵ ه. ق.)<sup>۶</sup>؛
۳۷. واعظ ابروانی (وفات: ۱۳۰۰ ه. ق.)<sup>۷</sup>؛
۳۸. ولی قلی شاملو، مستوفی سیستان<sup>۸</sup>؛
۳۹. میرزا یوسف صدرالعلماء فرزند شیخ میرزا محمد اسحاق پیشخدمت (وفات: ۱۳۷۲ ه. ق.)<sup>۹</sup>؛
۴۰. یونس بن یعقوب قمّاط کوفی از اصحاب امام صادق و امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام<sup>۱۰</sup>.

۱. الاعلام، ج ۶، ص ۲۲.

۲. همان، ص ۵۱.

۳. معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۲۳.

۴. همان، ج ۱۱، ص ۲۴۳.

۵. گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۶۶.

۶. معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۱۱۳.

۷. الذریعة، ج ۶، ص ۱۸۸.

۸. همان، ج ۹، ص ۱۲۸۱.

۹. الذریعة، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

۱۰. همان، ج ۶، ص ۲۵۴.